

# ستاره سبز

در سال ۱۹۴۲ ما این شیوه دمکراتیک حل تضادهای درون خلق را به صورت فرمول "وحدت انتقاد - وحدت" درآوردیم. اگر مشروح تر بگوئیم این فرمول بدین معنی است که با تمایل به وحدت کار را آغاز کنیم، سپس از طریق انتقاد یا مبارزه تضادها را حل کنیم و سرانجام بوجدنی نوین بر پایه نوین دست یابیم. بطوریکه تجربه ما نشان می دهد این شیوه برای حل تضادهای درون خلق، شیوه درستی است.

مائوتسه دون

پنجم ماه ۱۳۵۲ برابر فوریه ۱۹۷۴

## پیش بنوی وحدت اصولی مبارکسیست - لنینیست ها

بدی است از مبارزه بخاطر ایجاد حزب کمونیست. بانچه به نقطه نظرهای بالا سیاست عمومی سازمان انقلابی را در مبارزه بخاطر ایجاد حزب کمونیست ایران میشود بصورت زیر خلاصه نمود:

- \* کمونیستها باید بانچه به سطح کونوسی مبارزات توده ای، جسورانه و پاروچینی نهراسیدن از سختیها و مرگ به این مبارزات بیوندند. با سازماندهی کمونیستی مخفی در میان توده ها بویژه کارگران و دهقانان کمک کنند تا توده ها اقدام به قدم به آگاهی طبقاتی بالاتر رستند و متشکل شوند. کمونیستها باید مبارزات توده ها را در جهت تدارک جنگتوده های، برای برانداختن امپریالیسم و طبقات اجتماعی حاکم سرگردگی رژیم شاه سمت دهند.
- \* کمونیستها باید بخاطر پیشبرد موثرترین سیاست با گروهی گزائی (مادراینجا گروهی گزائی را بمعنای سکارسیم و گروهی فرقیترابه معنای وکت بکاربردند) در جنبش تکر کمونیستی به مبارزه برخیزند، برای وحدت اصولی مارکسیست لنینیستها، وحدتی که تاسطح یکی شدن یعنی حزب کو نیست باید پیشروند، مبارزه نمایند.
- \* کمونیستها باید برای ایجاد حزب طراز نوین طبقه کارگر و ساختمان آن بطور مستمر در وجهه آمپریسم و دکاتیسم مبارزه نمایند، تظاهرات مشخص این دو انجرا بقیه در صحنه دوم

لنینیستها در خارج بوجود آورد. در این نکتسه ما به چگونگی خط مشی و سبک کار مارکسیستی - لنینیستی در جنبش دمکراتیک خارج به خاطر خدمت به جنبش نوین کمونیستی در داخل سر - داخته ایم و در اینمورد مبارزه میان دو خط مشی را نشان داد ایم.

نقطه نظرهای اساسی سازمان ما سیاست عمومی آن در مبارزه برای ایجاد حزب کمونیست ایران، سازمان انقلابی بطور مشخص در رابطه با ایجاد حزب کمونیست سه نقطه نظر زیر مطرح ساخته است:

۱- ایجاد حزب کمونیست (مارکسیست - لنینیست) وظیفه مرکزی کیه مارکسیست - لنینیستهای ایران را تشکیل میدهد.

۲- ایجاد حزب کمونیست باید در پیوند با مبارزات و جنبش های توده ای کارگران و دهقانان باشد.

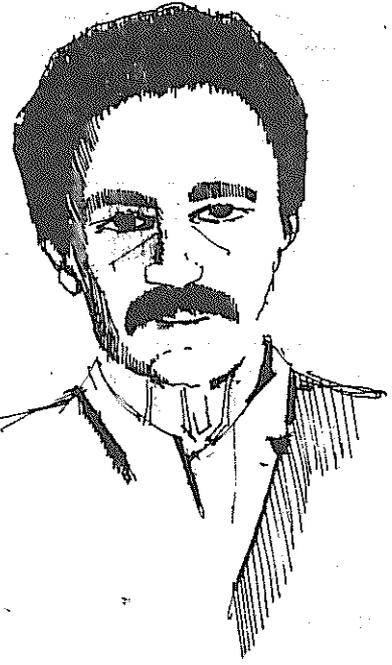
۳- مبارزه برای وحدت هسته ها، گروه ها، سازمانهای مارکسیستی - لنینیستی بخش جد انسا -

حرکت از تجارب جنبش در خارج از کشور، و آنچه به پیش از ۲۰ سال تاریخ مبارزات طبقه کارگر در کشور ما مبارزات توده ای کونی، نشان دهم که باید تئوریزی گروهی گزائی نادرست است و بر ضد وحدت مارکسیست - لنینیستها، بر ضد ایجاد حزب کمونیست میباید و باید مبارزه علیه آنرا همه جانبه به پیش برد. در نکتی دوم ساله مبارزه برای تهیه یک "پلاتفرم وحدت" مطرح نمود ایم و پس از نشان دادن ضرورت، چارچوب و نقش آن در گام برداشتن در جهت وحدت مارکسیست - لنینیستها بر روی اهمیت تهیه یک پلاتفرم وحدت بر اساس پراتیک مشخص انقلاب ایران، مبارزات جاری سیاسی توده ای و همچنین نظرات و مواضع تشکل های مارکسیستی - لنینیستی داخل را تأکید نمود ایم و این بحث را در نکتسه سوپتا انجا به پیش برد ایم که نشان دهم نقش اساسی و مترقی جنبش تکر کمونیستی خارج در این است که بتواند بخوبی به امر جنبش نوین کمونیستی در داخل سازماندهی در آنجا خدمت نماید و نشان داند ایم چگونه مبارزه برای اجرای این سیاست میتواند وحدت مارکسیست -

مقدمه  
مادر شماره ۲۸-۲۹ "ستاره سبز" (مرداد شهریور ۵۲) نکتسه اول از چهار نکتسه ایک "سازمان انقلابی حزب توده ایران در خارج از کشور"، در زینتگفتار توده (۲۱-مرداد ماه ۱۳۵۰)، بعنوان سیاست عمومی در مبارزه برای ایجاد حزب کمونیست ایران مورد بحث قرار داد بود، تحت نام "پیش بنوی بیوند با جنبش های توده ای" را تا آنکه از برای توضیح داد ایم در این مقاله میخواهیم نکتسه دوم از این سیاست عمومی، یعنی مبارزه بخاطر وحدت مارکسیست - لنینیستها را تشریح کنیم. از آنجائیکه مقاله گذشته نسبتاً طولانی است، مقدمتاً طرح آنرا بطور خلاصه کسی توضیح میدهم تا تصویر عمومی آن برای خواننده معلوم باشد.

در آغاز مقاله به نقطه نظرهای اساسی سازمان انقلابی اشاره شده و مختصراً سیاست عمومی آنرا در مبارزه برای ایجاد حزب کمونیست ایران آورده ایم. سپس به اصل مطلب که بانکتی اول - مبارزه با گروهی گزائی، شروع میشود، پرداخته ایم. در اینجا کوتیده ایم با

### این رسم توست که ایستاده بمیری



آر و حشئی از نیروی انقلابی و مبارزات مردمی ند آرید و در واقع صمگک طبقه حاکمیر ایران مؤمن نیستید، تاریخ این واقعیت را نشانتان داده و خواهد داد.

ایمان ما بمیروزی جنبش نوین ایران و سراسر جوامع طبقاتی جهان عظیمترین قدرت است.

این راهم بگویم که مارکسیسم هیچگاه مورد خوش آیند طبقات حاکم و استکان آسمان نیست.

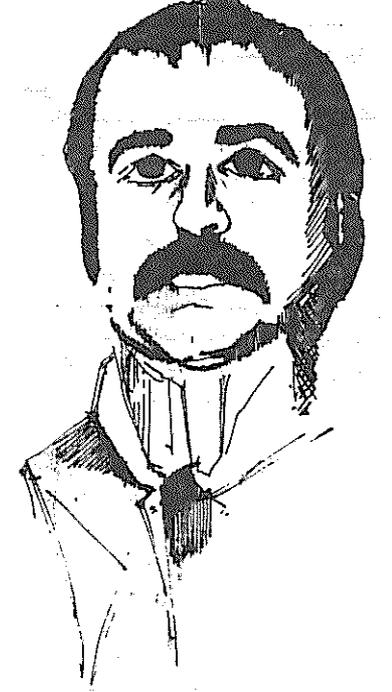
کرامت اللهد انشیان

بر سینهات نشمت  
زخم عمیق کاری دشمن  
اما،  
ای سرو ایستاده نیافتادی

یکبار دیگر رژیم محمدرضا پهلوی در تن از بهترین فرزندان خلق - رفقا خسرو گسرخ و کرامت الله دانشیان - رایسه دست جوخه ای اند امپرد. این نه اولین بار است و نه آخرین باری خواهد بود که رژیم دست نشانده پهلوی به اندام فرزندان قهرمان خلق می برد از. تاریخ رژیم محمدرضا شاه ای زهمان اوان بقدرت رسانید نش توسط امپریالیست هامطوارجنایات فراوان، گستاخ مردم و اندام انقلابیون است.

رژیمهای ارتجاعی و از آنجمله رژیم ایران و حشمت از هر حرکت و جنبش و جوش خلق دارند و از آنجائیکه به هیچ طریقی قادر به درهم شکستن مقاومت خلق نیستند، همیشه به حریدی سرکوب متوسل شده و می پندارند که با اندام و گستاخ موفق خواهند بود. مترجمین غافل از آنند که هر اعتراض، هر حرکت و هر جنبش خلق نتیجه ایجتنا ب ناید بر و غیر قابل جلوگیری از شرایط عینی اجتماعی حاکم در جامعه است. در اجتماعی که ظلم و ستم حاکمیت دارد، مقاومت و مبارزه امری طبیعی است. در اجتماعی که انسانها پیش حق تعیین سرنوشت نسد آرند فریاد اعتراض ظنین افکن میشود و بالاخره اجتماعی که بمنظور پابرجا نکتسه داشتن شیوه استثمار انسان از انسان و حفظ پایه های لرزان رژیم موجود، ترور و اختناق در آن حاکمیت دارد و هر فریاد آزادخواهی با کلوله وزند ان پاسخ داد میشود، خلق بیباخته مبارزاتش موج میوع رشد و گسترش یافته، فرزنداننش بمنظور برانداختن سیستم حاکم مبارزه مرگ وزندگی می برد ازند و با ایثار خون خود در راه نافع خلق نهال جنبش آزاد بیخشان آبیاری کرده و فزا رسیدن فرد ای تابناک را بشارت میدهند. بعبارت دیگر هر جا ستمی هست، مقاومت هست و هر جا که مقاومت و مبارزه هست قربانو، نیز خواهد بود.

خلقهای میهن ما در مبارزه علیه ظلم و ستم طبقات حاکم برای سنت تاریخی هستند. بزمانهای دور بر نمیگردد ایم - از مبارزه آزاد بخوانان در مشروطیت، مبارزات جنبش جنگل و بعد



"جامعه ایران باید بداند که من در اینجا صرفاً بخاطر داشتن افکار مارکسیستی محاکمه می شوم و در دادگاه نظامی محکوم به مرگ گشته ام... من که یک مارکسیست لنینیست هستم و بشریعت اسلام مارچ بسیار میگند از من مقدم که در هیچ کجای دنیا در کشور های وابسته و تحت سلطه استعمار حکومت ملی نمیتواند وجود داشته باشد.

دادگاه اول بنا به شرایط فاشیستی حاکم بر آن دفاع مرا ناتمام شنید؟ خسرو گسرخ

## استقرار جمهوری دمکراتیک خلق خواست مردم ماست

بقیه و حدت  
 را در قیاس شناخته و باینکار بر مائریالیسم - دیالکتیک و مائریالیسم تاریخی قدم بقدم این مبارزه را به پیش بردند. در واقع گویی بطور مشخص باید بد و انحراف زیر توجه جدی نمود:

... مائریالیسم مدرن انحراف عمده را در جنبش درونی و کمونیستی تشکیل میدهد و بی شک امر اجساد حزب کمونیست بدین انتقاد و طرد آن بخواهی جلو نمیرود باید رفرمیسم و اپورتونیسم تاریخی حزب توده ایران را بطور عمد جانبد مورد انتقاد قرار داد و از انحراف نگذشت در این مبارزه آید.

... کمونیسم "چپ" و مبارزه مسلحانه جد از توده ها انحراف بدیگر را در جنبش کارگری و کمونیستی تشکیل میدهد. باید بدین توجه نمود، آنرا مورد انتقاد قرار داد و رکنی بد و باطنی و چریکی مبارز متقابل بمارکسیسم لنینیسم بد و رنجبران عمل تجارب خود را حصد نموده و راه راستین مارکسیستی - لنینیستی را در پیش میگیرند متحد گردیدند.

با پیشبرد قاطعانه این سیاست هاست که تدارک برای ایجاد حزب کمونیست فراهم تر میگردد.

**مبارزه با گروهی گزافی هتوز ساله مرکزی کسار ایدئولوژیک برای وحدت و تشکیل یک جبهه**

سازمان انقلابی از همان آغاز تشکیل خود بخاطر وحدت اصولی مارکسیست - لنینیستی مبارزه برپا داشته است. از یکسویه منتهی روی این نکته که در ایران هسته ها گروه ها و سازمانهای مارکسیستی - لنینیستی موجودند و بدین وحدت آنها اساسا حزب کمونیست ایران تشکیل می تواند بپوید آید. با فشاری کرد و بازسازی دیکتاتورگونه معامله و سازش نیرا صولی بمبارزه برخاسته است.

سازمان ما در توضیح اینکه چرا جزوه "پیش بسوی وحدت اصولی مارکسیست - لنینیست ها" را انتشار میدهد در مارس ۱۹۶۹ نوشت: "هدف از این نوشته شرکت فعال در مبارزه ایدئولوژیک علیه رفرمیسم و اپورتونیسم است تا از این طریق بتوان مرز بین رفرمیسم و اپورتونیسم با آنها کرد و شرائط مناسبی را برای وحدت اصولی گیسو مارکسیست - لنینیستی بر راه ایجاد حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران بپوید آوریم."

در پیشگفتار توده ۲۱ با توجه به اوضاع تغییر یافته و ویژه بارشده روحیه گروهی گری در جنبش نوین کمونیستی خارج کشور در رابطه با وحدت اصولی مارکسیست - لنینیستی چنین میخوانیم:

"باید بگازاید، تلوژیک وسیع برای ایجاد شرائط دمکراتیک در جنبش مارکسیستی - لنینیستی، برای بالا بردن روحیه انقلابی کمک متقابل بیکدیگر دست زد. باید ایدئولوژی تاکید روی نکات مشترک و جستجوی نکات مشترک، توجه به مسائل عمده و اولیادری حل مسایل غیر عمده و مورد اختلاف به آینه رانندگی کرد و در عمل در این زمینه پیشگام شد. باید شدید با ایدئولوژی گروهی گری رفاقت ناسالم که مرض گویی جنبش چپ است و بی شک از منافع گروهی و نه منافع خلق سرچشمه میگردد، مبارزه کرد و در عمل در این زمینه پیشگام شد."

ما باید رفقای خود را چنان تربیت کنیم که امر وحدت مارکسیست - لنینیستی، طبقه کارگر و خلقهای ایران را چون مردمک چشم عزیزترند و در راه ایجاد آن بگویند و رفقای ما سازمان ما باید نکات مثبت مارکسیست - لنینیستی و انقلابیون دیگر را ببینند و به کیود های خود توجه نمایند. سازمان ما معیفا اعتقاد دارد که تنها باید کاراید تلوژیک عمیق و بیگرم وسیعی در این زمینه در جنبش چپ است که میتوان محیط گرم سیاسی برای پیشبرد امر وحدت مارکسیست - لنینیستی بپوید آورد."

سازمان انقلابی در این مدت کوشیده و از این سیاست خود چه در مورد مارکسیست - لنینیستی های داخل و چه در مورد مارکسیست - لنینیستی های خارج پیروی کند. با اینکه در عمل به علت وجود گروهی گزافی با مشکلات زیادی روی روبرو شده و معالوف با قبول تمام این مشکلات بایی گیری این سیاست خود را دنبال کرده است. روشن است که سازمان ما تنها یک طرف قضیه میباشد، مبارزه با گروهی گزافی اگر نجات موثری پیش رود شرکت فعال تشکیل های دیگر هم طلب میکند. گروهی گزافی چیست و چرا انحرافی است؟ هر چند نفی بر اساس براتیک محدود خود و اقتصادی

که بر اثر براتیک مشترک خود بدست آوردند، دست به ایجاد تشکی میزنند و میگویند خود را تحت این تشکیک با تمام ظواهرش - مانند نشریه، فعالیت های توده ای مستقل و غیره - عرضه دارند و در جاهایی که قبلا تشکیک هائی بوده اند (آنها از وجود شان مطلع بوده و امکان یکی شدن و وحدت موجود بوده است) برای توجیه وجود آمدن خود و موجودیت خود پس از آن، به نفی تشکیک هائی دیگر میپردازند و در ریحا روحیه خود مرکز بینی را در خود که جوهر گروهی گزافی است، تقویت مینمایند. از سوی دیگر گروهی گزافی در مورد تشکیک هائی که قبلا وجود داشته و یا در آرای تجربه های هستند، میتوانند بدین صورت تظاهر کنند که تشکیک های جدید را - که عدم پیوستنشان به سازمانهای موجود نشان از ضرورت تعیین بله بدعت گروهی گزافشان بوده است - نفی نموده و برای وحدت با آنها کوشش و مبارزه ننمایند. مادرنیز در دو زمینه دلایل انحرافی بودن این گرایش را با توجه به براتیک جنبش خارج و اوضاع گویی میاوریم.

... نکته اول اینست که گروهی گزافی به تضاد بین تشکیک های مارکسیستی - لنینیستی برخوردار از آگاهی و در مبارزه خود با تشکیک های دیگر بر ضد جریان عینی و ضروری سیاسی متحد شدن جنبش نوین کمونیستی حرکت کرده و با تمام نیرو تلاش در پراکندگی، تضعیف و جلوگیری از ارتقا کیفی و نفوذ آن در میان توده ها مینماید.

در حالی که تضاد درون جنبش نوین کمونیستی ماهیتا تضادی است از نوع تضاد های درون خلق و شیوه حل درون خلقی را برای حل آن باید بکاربرد.

مبارزه درونی در هر جنبش، حزب و یا سازمان مارکسیستی جریان دارد. این مبارزه انکاسی از مبارزه طبقاتی در جامعه بوده و بویژه بیشتر و تکامل جنبش، حزب یا سازمانی می باشد و با پایان این مبارزه زندگی آنها هم پایان مییابد.

پرولتاریا در زیر طبقاتی بخاطر پیروزی نهائی خود در جبهه های بیرونی و درونی توانسته قدم مقدم مواضع جدید را کسب نماید و با جمع بندی از تجارب خود برای شناخت و تغییر جهان اصول و روشهایش را عرضه دارد. براتیک پرولتاریا یا ثابت میکند که وحدت او باید دارای کیفیتی عالی باشد و تنها با وحدتی بر اساس این اصول است که میتواند در عمل چنین کیفیتی را بوجود آورد. تنها چنین وحدتی است که پرولتاریا را نیرو میبخشد و او را در مبارزه طبقاتی سخت و بیخون علیه دشمنانش پیروزی میدهد. لنین کبیر درباره کیفیت وحدت طبقه کارگر مینویسد:

"طبقه کارگر که وحدت و اتحاد دارد، اما وحدت را تنها بایک تشکیکات متحد که تصمیماتش را بجا میآورد، نمیتواند بکاربرد. اتحادی که در اجراء می آید، میتواند بدست براند. بحث درباره مسائل کردن، تبادل نظر متقابل، یافتن نظرات اکثریت مارکسیست های تشکیک متبلور ساختن این نظرات در شکل تصمیماتی که توسط نمایندگان به تصویب رسیده و اجراء آنها از روی وحدت آن چنین است آن چیزی را که مردم منطقی وحدت می خوانند. چنین وحدتی برای طبقه کارگر بسیار بسیار گرانبهاده و دارای اهمیت است. کارگران غیر متحد هیچ نیستند، کارگران متحد همه چیزند."

(وحدت طبقه کارگر - سوم دسامبر ۱۹۱۳ - جلد ۱۹ کلیات)

این کیفیت وحدت که رسیدن به وحدت تئوری، وحدت برنامه، وحدت مشی، وحدت فرماندهی و وحدت عمل است، بلا جبار یا فشاری روی اصول را درخواست میکند. مارکس به ما میآموزد که در مبارزه بخاطر تحقق وحدت "هرگز نباید با اصول معامله کرد". انگلس ضمن صحبت درباره ضرورت مبارزه اصولی علیه اپورتونیسم بخاطر ایجاد وحدت واقعی میگوید: "وحدت و یکپارچگی تا زمانیکه امکان پذیر باشد، امر بسیار خوبی است، ولی چیزهای دیگری نیز مافوق وحدت و یکپارچگی وجود دارند" و "رشد و تکامل پرولتاریا در هر جایی که باشد، از طریق مبارزه درونی صورت میگیرد". لنین میگوید: "بدون مبارزه منتهی تواند روشنی پیدا آید و بدین روشنی نمی تواند بیشتر موفقیت آمیزی حاصل گردد و وحدتی پایدار برقرار نشود." سازمان ما کوشیده و این آموزش های کبیر رهبران پرولتاریا را سرمشق خود قرار دهد و کارنامه سازمان ما در حقیقت کارنامه مبارزه میان دو خط مشی، مبارزه میان اپورتونیسم و مارکسیسم، مبارزه میان درست و نادرست بوده است. درست به خاطر پیافشاری روی اصول مارکسیسم - لنینیسم و دفاع از آنها بود که اکثریت اعضای حزب توده ایران مقیم در اروپای غربی و آمریکا در اوایل سالهای ۴۰ پس از گذراندن یک دوره مبارزه درونی

رفرمیسم - اپورتونیسم حاکم بر حزب توده ایران را طرد نمودند و بدین وسیله سازمانی را بنیان نهادند و با ایجاد سازمان انقلابی حزب توده ایران در خارج از کشور اولین گام را که در صحنه سیاسی کارگری ایران دارای اهمیت بود، برای ایجاد حزب و افعال انقلابی بر اساس مارکسیسم - لنینیسم برداشتند. درست بخاطر پیافشاری روی اصول و دفاع از آنها بود که در درون سازمان انقلابی پس از ایجاد، مبارزه میان دو خط مشی ادامه یافت: در ادامه ی مبارزه علیه رفرمیسم و اپورتونیسم حزب توده ایران عشق بخشنیدن به آن اپورتونیسم تاریخی آن در کلیه زمینه ها مورد انتقاد قرار گرفت. انحلال طلبی، انحرافی که گاملا جنبش کارگری ایران را در دوره تسلط حزب توده ایران نفی میکرد - انتقاد شد و همچنین در رابطه با مبارزه مسلحانه با انتقاد و طرد مبارزه مسلحانه جد از توده ها و "راه گویا"، راه قهرآمیز انقلاب بر اساس پیش توده های و جنگ توده های پیروز گردید.

بدین ترتیب سازمان با داشتن پرچم روشن مارکسیسم لنینیسم در دست قدم بقدم با پیافشاری روی اصول، حضور را از منی ها و نظرات نادرست و غیر مارکسیستی تصفیه نمود و پرچم راستین ایجاد حزب گاملا نوینی را در داخل کشور بد و راه گویا رفرمیسم و اپورتونیسم حزب توده ایران بد و راه گویا رفرمیسم و اپورتونیسم "چپ" با توجه به گذشته جنبش کارگری و حفظ سنت های انقلابی آن بر اساس مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه درون را بر افراشته تر داشت.

در اینجا گاملا با دو نوع تضاد ماهیتا متفاوت روبرو هستیم، یکی تضادی که لفظی حزب توده ایران در حلقه اول با رهبری رفرمیستی حاکم بر حزب دارند که بحق در مرحله ای تنها راه حل آن را بریدن از این رهبری و ایجاد سازمانی کاملا مستقل از حزب توده ایران بر اساس مارکسیسم - لنینیسم، مینماید. دیگری تضاد مشی که در درون سازمان انقلابی در جریان تکامل بوجود می آید که این تضاد ها اساسا شیوه راه حل دیگری را می یابند، یعنی با دامن زدن به مبارزه ایدئولوژیک

در درون، با پیروی از انضباط سازمانی، اکثریت قادر میشوند عیاد صحیح را مرکز سازند و اقلیت از نظر اکثریت تابعیت میکند. البته روشن است که در هر مبارزه بعضی عناصر یافت میشوند که در هنگامیکه نظراتشان طرفداری نمی یابند دست به عملیات ضد سازمانی میزنند که طبیعا اگر پیروی این شیوه نادرست پیافشاری نمایند و سرسختانه به انحلال در امور سازمانی بپردازند و تقویت آنها باین کار خود را با اجبار تضاد را به تضادی آنتاگونیستی تبدیل میسازند و در چنین حالتی سازمان مجبور است با قاطعیت اینگونه افراد را از خود دور نماید و خویش را از وجود چنین عناصر ضد سازمانی پاک کند. در نتیجه مبارزه سازمان ما، در هر مورد مبارزه میان دو خط مشی که در بالا آوردیم به اینگونه افراد برخورد کرده است.

در مورد اول یعنی مبارزه علیه اپورتونیسم تاریخی حزب توده ایران، اکثریت مطلق سازمان طی پیروسی این توانست متحد شود و تنها سه نفر بودند که روی نظرات نادرست خود پیافشاری کردند و بعد بهنگام در اقلیت ماندن، دست به عملیات ضد سازمانی و سازمان شکنی زدند.

در مورد دوم یعنی مبارزه علیه انحراف "چپ" راه گویا "مبارزه مسلحانه جد از توده ها، در ادامه انتقاد و انتقاد از خود وسیع شد و در این مورد اکثریت مطلق رفقا بر اساس مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه درون متحد شدند.

در مورد سوم یعنی مبارزه علیه انحلال طلبی که در مدتی کوتاه به اشکال گوناگون بروز نمود با اینکه اکثریت رفقا توانستند، متحد شوند ولی اکثریت نسبت وسیعترین رفقای سازمانی را متحد سازد. در حقیقت جریان انحلال طلبی توانست نیروی موثری از سازمان را به "انحلال" بکشاند و همین دلیل در مقایسه با جریان بالا مبارزه علیه جریان انحلال طلبی، به عللی که در بالا ذکر کردیم ضرر آفرینترای سازمان بود. در حقیقت سردمداران انحلال طلب با دست زدن به تخریب علیه سازمان، تضاد درون سازمانی را به تضاد بیرون سازمانی تبدیل ساختند و عملا انشعاب نمودند. اینکه در آخرین تحلیل همه نظرات و مشی های نادرست، رفرمیستی و اپورتونیستی هستند و به طبقات دیگر جز پرولتاریا خدمت مینمایند و اینکه هیچگاه رهبر شرایطی نباید از لحاظ ایدئولوژیک و سیاسی پرولتاریا با آنها سازش نماید، جای هیچگونه شک نباید باشد.

اما صحبت برسر تحلیل مشخص از اوضاع مشخص، ساخت دقیق تضاد ها در خارج یوب مشخص خود و یافتن راه حل های متناسب با رشد تمام بخاطر حدت بیشتر به پرولتاریاست.

برای نمونه پیروسی رشد تضاد درون جنبش کمونیستی بین طلبی را در دوره های اخیر در نظر بگیریم. این تضاد در آغاز خود آنتاگونیستی نبود. حزب کمونیست چین و دیگر احزاب مارکسیستی - لنینیستی در واقع اول تلاش نمودند با استفاده از شیوه های دمکراتیک میسازند درون جنبش کمونیستی، مبارزه را به جلو برند و جنبش کمونیستی را بر اساس مارکسیسم - لنینیسم - و لئوتامونالیسم پرولتاریا متحد سازند. اما بر اثر پیافشاری رفرمیستی ها بروی مواضع نادرست خود و بکار بردن شیوه های انشعاب بگانه و تفرقه افکنانه در جنبش کارگری جهان، با استقرار مجد در سرمایه داری در شوروی و در پیش گرفتن سیاست های فاشیستی در داخل و سیاستهای تهاجمی، تجاوز زگانه و سرکردگی رایانه در خارج، عملا تضاد میان مارکسیست - لنینیستها و رفرمیستها را به تضادی آنتاگونیستی تبدیل شد. بهمین دلیل در حال حاضر احزاب و سازمانهای مارکسیستی - لنینیستی واقعی تنها شیوه مبارزه را در برخورد به رفرمیست های مدرن و اپورتونیست آن در دوره رفرمیستی حاکم در شوروی در پیش گرفته اند اما تضاد در خود جنبش مارکسیست - لنینیستی در سطح جهانی و در سطح کشوری تضاد است ماهیتا از نوع دیگری بهمین دلیل شیوه ی حل ویژه خود را در است. حل چنین تضادی از طریق مبارزه ایدئولوژیک مثبت باشیوه های دمکراتیک و اقلیت صورت میگیرد و هدف آن رسیدن به وحدتی فشرده تر در سطحی بالاتر است.

تنها با رعایت چنین اصولی است که میتوان مبارزه میان دو خط مشی را اساسا در درون باشیوه مارکسیستی - لنینیستی به پیش برد، اکثریت عظیم رفقا را متحد ساخت و به هدف وحدت فشرده تر، عالی تر و استحکام تشکیلاتی رسید.

رفیق مائوتسه درون نمونه خوب تمام کمونیستهای چپا در مبارزه ایدئولوژیک - مبارزه میان دو خط مشی در مرکز کمونیست چین و همچنین در جنبش بین المللی کمونیستی است. کمونیستهای ایرانی باید براتیک رفیق مائوتسه درون را سرمشق خود قرار دهند. او میگوید: "مسائل ایدئولوژیک و مسائل مورد اختلاف در درون خلق را فقط می توان بطرف دمکراتیک یعنی از طریق بحث، انتقاد، افشاء و آموزش حل نمود، نه بوسیله جبر و فشار...." ( درباره حل صحیح تضاد های درون خلق )

رفیق مائوتسه درون در جمع بندی از حل تضاد ها که درون خلق بویژه در رابطه با مبارزه میان دو خط مشی در حزب کمونیست یاد آور میشود که در این مبارزه تنها نباید روی اصول پیافشاری کرد بلکه همچنین باید به سیاست صحیح و اجراء آن توجه نمود و بدین تضاد ماهیتا متفاوت دقیقا تمایز نهاد. در این مبارزه باید کوشید با اکثریت وسیع متحد شد و انضباط حزب را رعایت نمود. تنها با اجراء دقیق این رهنمود است که میتوان گفت در مبارزه ایدئولوژیک درون جنبی شیوه صحیح حل تضادها را در پیش گرفته ایم.

"سازمان انقلابی" با جمع بندی از تجارب خود جزوی "پیروز باد راه محاصره شهرها از طریق دسات" بتاريخ آبان ماه ۱۳۴۸ را با جملات زیر تمام میکند: "سازمان ما همیشه از وحدت اصولی مارکسیست - لنینیستی دفاع کرده است، بار دیگر ما

روشن ساختن مواضع خود درباره مشی انحلال طلبی پرچم وحدت را بر اساس مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه - درون برافراشته نگه داشته و با پیروی از شیوه راستین حل تضاد های درون خلق، توجه به مسائل عمده و اولیادری حل تضاد فرعی مورد اختلاف برای حل بموقع مناسبتر، زیر شعار "وحدت - انتقاد - وحدت" کیمارکسیست - لنینیست های واقعی را به گرد هم آتی در یک سازمان واحد برای انجام وظیفه مرکزی گویی مارکسیست - لنینیستها یعنی ایجاد حزب کمونیست (مارکسیست - لنینیست) دعوت میکند." (تکیه از باست)

روشن است پیروی دقیق از این رهنمودها و اجراء شیوه صحیح مارکسیستی - لنینیستی در حل تضاد های درون خلق از آنچه به برین سازمان و درون جنبش نویسن کمونیستی کارسایر مشکلی است و تنها با داشتن موضع صحیح در امر وحدت سازمان، حزب و خلق، با جمع بندی بقیه در صفحه سوم

**با اتکاء بتوده ها پرچم انقلاب را برافراشته تر سازیم**

بقیه و حدت

قدم بقدم از تریک است که میتوان پیروزی در این امر بدست آورد.

سازمان ما برای پیشبرد این امر پس از جمعیت رهنمود مشخص زیر را معین نمود:

- ۱- لبه نیز حمله تبلیغاتی و تمام فعالیت های سازمان باید علیه رژیم شاه و امپریالیسم سوسیال امپریالیسم و رژیونیسم باشد. این مساله نه تنها از لحاظ کیفی بلکه از لحاظ کمی هم به اجرا آید.
- ۲- مبارزه علیه تشکل هایی که خود را مارکسیست - لنینیست می نامند باید در سطح مبارزه آید. تئولوژیک محدود شود و بر این اساس سازمان ما از ریش گرفتن شیوه های زیر خود دری نموده است:

۳- بهیچوجه در پی فرستادن افراد خود بطور پنهانی در تشکل های دیگر نبوده است.

۴- بهیچوجه شیوه برانگیختن توده های یک تشکل را علیه رهبری آن در پیش نگرفته است.

۵- در مبارزه آید تئولوژیک مثبت و توضیحی را در پیش گیرد و بیجا میان عمده و غیر عمده بانوجه به اوضاع تمایز قائل شود. سازمان انقلابی در اسفند ۱۳۵۰ در "توده" شماره ۲۲ در این مورد نوشت: ما برای ایجاد یک محیط

د مکرانیک، بحث خلاق رفیقانه، خالی از هرگونه روحیه "برادر بزرگ" تر و یا "پیشرو" تر مبارزه می کنیم و با هر گونه نظریه ای که در اثر وجود اختلاف در جنبش به خط و نشان کشیدن فوری میان سازمانها و گروه ها منجر میشود مخالفیم و شدیدا علیه برجست زدن آنها و سپردن زدن آنها غیر منقول به گروه ها و سازمانها، دیگر مبارزه می کنیم.

۶- پافشاری سازمان ما روی یکبار بردن شیوه حل تضاد های درون خلق بخاطر حل تضاد های درون جنبش نوین کمونیستی با اینکه تاثیر مثبتی در جنبش دارد اما هنوز در مجموع جنبه ای غالب را در جنبش نوین کمونیستی خارج و گروهی گزینی و یکبار بردن شیوه های آنتاگونیستی برای حل تضاد های درون جنبش تشکل می دهد. مبارزه با آن باید همچنان ادامه یابد.

۷- برای اثبات این واقعیت دلایل و شواهد زیادی لازم نیست. هر رفیق صادقی میتواند نگاهش به برخورد های تشکل های مارکسیست - لنینیستی بیکدیگر نماید تا ساله برای روشن کردن این روحیه گروهی گزینی شرایطی را بوجود آورده که عملا شیوه پرورگرائی، برجست زنی شایسته پراکسی، تاکید روی نکات منفی دیگران و بزرگ جلوه دادن نکات مثبت خود، پافشاری روی نظرات نادرست، ایجاد جنگ زردی از طریق بزرگ کردن اشتباهات یک فرد که احتمالا طرفدار این یا آن گروه است، جای شیوه د مکرانیک بحث، آموختن از یکدیگر، تاکید روی نکات مثبت، پافشاری روی نظرات درست و داشتن روحیه سرشار از انتقاد از خود را گرفته است.

نمونه دیگر موضع گیری و تبلیغات برداشته بعضی ها علیه سازمان ما در هنگام تسلیم و خیانت لاشائی بود. بعضی از آنها همین شیوه را با یکی تفاوت در مورد "سازمان آزاد بیخیش خلقهای ایران" هنگامیکه مبارزین این سازمان با توطئه و شکنجه های رژیم در زندان و ادانگاه و ربور بودند و در عنصر زمین که یکی از آنها حتی عضو این سازمان نبود از جرگه آنها ضعف از خود نشان داده بودند یکبار بردند و همان موقع که رژیم جنایتکار شاه تلاش میکرد گروه هفت نفری از این سازمان را وادارده جلوه دهد، آنها بجای افتخار رژیم به افتخار مبارزین در بند "سازمان آزاد بیخیش خلقهای ایران" پرداختند. البته ذهنی گری آنها نسبی که این برخورد و سیاست را در پیش گرفته بودند با پیشرفت زمان و بخصوص با اعلامیه اخیر "سازمان آزاد بیخیش خلقهای ایران" در مورد توطئه رژیم در "علنی" خواندن ادانگاه نظامی، معلوم گردید.

بهر حال این پراکنجی منفی گروهی گزینی و مبارزه علیه آن در سالهای اخیر همگی مارا آید به نموده است چشم عمده زیادی را باز نموده یعنی به آنها امکان داد تا مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه درون را بیشتر و بیشتر در برخورد به مسائل بکار برند و تضاد را بر اساس واقعیات و تحلیل درست بنمایند.

در مقابل کمک میکند تا فاضلی که بخاطر منافع جاه طلبانه خود میان درون تضاد ماهیتا متفاوت تمایز قائل نمیشوند، جاوقامی برای نظرات ضد مارکسیستی خود پیدا نمایند:

یکی از این عوامل شرایط بفرع رشد جنبش انقلابی ما برای بخش خارج در مورد از صحنه اصلی مبارزه

و تعبیرات ترفان آسای جهانی و دیگری نازل بودن سطح آموزش و درک ما از مارکسیسم است.

اما اوضاع در ارد بسود سمت صحیح تغییر میکند. کادر ها و اعضای تشکل هاتر رجا دارند عمیق تر از گذشته دست به آموزش اوضاع - اوضاع ایران و جهان میزنند

بر روی مسائل سیاسی تعمق بیشتری نموده و می گویند مارکسیسم را در عمل و در سنجش مسائل بکار برند. ما اطمینان داریم که در جریان این آموزش اکثریت مارکسیست - لنینیستها با اجرای سیاست صحیح، تمایزگرا درن د قسبی میان درون تضاد ماهیتا متفاوت و اندیشیدن به اکثریت و با حرکت از اکثریت ایجاد حزب متحد خواهند شد. آنها

در عین پافشاری روی اصول وادامه مبارزه آید تئولوژیک بدون هیچگونه پرد و پوشی و اغماض علیه گروهی گزینی برخاسته، میان تضاد درون جنبش نوین کمونیستی که تضاد است درون خلقی و تضاد بیرون جنبش کمونیستی با امپریالیسم، سوسیال - امپریالیسم و طبقات استمارگر و ستخر حاکم بسرگردگی شاه که تضاد است آنتاگونیستی قادر میشوند مرز بندی دقیقی نمایند.

تاریخ ۷۰ ساله مبارزه آگاه طبقه کارگر ایران و گسترش و رشد مبارزات توده های کمونی گزینی را غیر قابل توجه میسازد.

این در همین نکته است که ما مالیم در رابطه با این موضوع که چرامبارزه علیه گروهی گزینی راهش می مرکز می آید تئولوژیک خود در جهت وحدت مارکسیست - لنینیستها قرار داده ایم، تشریح نمائیم.

مارکس طی نامه ای به بولتنه عضو شورای موقتی فدرال انترناسیونال در تریویوک در ۲۳ نوامبر ۱۸۷۱ نوشت: "انترناسیونال بدین خاطر ایجاد شد تا جای فرقه های سوسیالیستی یا نیمه سوسیالیستی را یک سازمان واقعی طبقه کارگر برای مبارزه بگیرد. بایک نگاه به اساننامه اولیه و افتتاحیه این موضوع دیده میشود. از طرف دیگر انترناسیونال نمیتوانست خود را حفظ کند اگر جریان تاریخ سیستم فرقه ای را در هم نشکسته بود. تکامل سیستم فرقه سوسیالیستی و جنبش واقعی کارگری همیشه نسبت معکوس اند. تا زمانی که وجود فرقه ها (از لحاظ تاریخی) قابل توجه اند، طبقه کارگر هنوز برای یک جنبش تاریخی مستقلی نرسیده است، بجز اینگونه که به جنبش یختگی ای میرسد تمام فرقه ها ماهیتا ارتجاعی اند."

در اینجا ما کوی به روشنی معین میسازد که مناسبات میان فرقه و کل جنبش واقعی کارگری چگونه است و چگونه باید حل شود. گروهی گزینی ناشی از وجود فرقه ها و عدم وجود جنبش واقعی کارگری

است. اما از آن زمان که شرایط عینی برای ایجاد یک جنبش واقعی کارگری میرسد تا زمانیکه از لحاظ ذهنی هم تمام فرقه ها بتوانند نوسازی نموده و خود را با شرایط تکامل یافته تطبیق دهند زمانی طول میکشد، هرچقدر تشکیک دارای طرز تفکر گروهی گزینی عمیق تری باشد و هرچقدر بدروز جریان اصلی جنبش قرار داشته باشد، بهمان اندازه پیروسی ای نوسازی آن مشکل تر و کند تر به پیش می رود.

در همین موضوع جنبش واقعی کارگری بانوجه باینکه اوضاع کل جهان از زمان مارکس تا بحال بسیار تغییر کرده است و جامعه ما ایران هم دارای ویژگیهای خود می باشد. چگونه است؟

اول اینکه از لحاظ تاریخی طبقه کارگر ایران سابقه ۷۰ سال مبارزه طبقاتی تشکل و آگاه دارد. بیست و پنج سال است که پیشقراول خود را بوجود آورده و جنواولین طبقات کارگر جهان است که پس از کارگران روسیه، در راس یک انقلاب بیروزا د مکرانیک فراری گرد و قادر میشوند جمهوری د مکرانیک شوروی گیلان را بوجود آورند.

این طبقه در تمام شئون زندگی جامعه مانا تاثیر گذار و از میان خود کادرها و رهبران بزرگی را به جنبش کارگری جهان تقدیم داشته است. عرضحه تاریخ جنبش انقلابی میهن ما در عرض ۷۰ سال گذشته حکایت از مبارزات قهرمانانه و آگاهانه ای طبقه کارگر و تشکل های پیشقراول آن میکند. در دوره حزب توده ایران هم با تمام تسلط ایسن حزب رفومیستی برجش، مبارزه میان دو خط منسبی، بین مارکسیسم - لنینیسم و رفومیسم و فرقیسم ادامه داشته است و هیچگاه طبقه کارگر ایران از پیروسی به جلو باز نایستاده است.

دوم اینکه مبارزات کمونی توده ای بالاخص مبارزات کارگران بار دیگر شرایط عینی را برای انتقال آگاهی طبقه تی طبقه کارگر و سنت مبارزاتی آنرا به توده های

و سیمتری فراهم آورده است. تکامل این شرایط در جهت ایجاد یک جنبش واقعا تشکل توده ای تحت رهبری یک حزب واقعا مارکسیستی - لنینیستی به امری اجتناب ناپذیر تبدیل گردیده است.

رشد مبارزات توده ای در داخل کشور در سالهای اخیر و سنت مبارزاتی ۷۰ ساله بیولتاریا چنان شرایطی را بوجود آورده که ایجاد یک ستاد فرماندهی واحد بیولتری را از پیوند تشکل های کمونی مارکسیستی - لنینیستی با این مبارزات توده ای قابل عمل و قابل لمس کرده است.

در چنین شرایطی است که در کشور مانا کید را روی برآوردگی فرقه ها گذاشتن نادرست بوده و بسا از آن علیه آن جزئی از مبارزه اجتناب ناپذیر مارکسیست - لنینیست ها را برای وحدت تشکل می دهد. به عبارت دیگر مارکسیست - لنینیستها و تشکل آنها باید با درک ضرورت این تغییر یعنی از گروه هابه حزب، در جهت تسریع این پروسه با تمام نیرو کار کنند. نه اینکه معکوس عمل نموده به توجیه سیستم گروهی کمونی پر داخته در جهت ابدی ساختن آن و گسترش شبکه های این سیستم فعالیت نمایند.

از این بردن سیستم کمونی گروهی و ایجاد یک وحدت واقعی در میان هسته ها، گروه ها و سازمانهای مارکسیست - لنینیست کارآسانی نیست و تنها با کار آید تئولوژیک در مورد اینکه گروهی گزینی ارتجاعی است بدست نمی آید. وحدت را جنبش اساسا بد گروه ها

تحمل خواهد کرد و همین دلیل در جریان مبارزه طبقاتی توده ای است که گروه ساقا در میزنند عمیقا خود را نوسازی نموده و با هم یکی شوند. تاکید ما در اینجا بر روی مبارزه علیه گروهی گزینی بدان علت است که نشان در عین این مبارزه ایست برحق، مطابق با مسیر تاریخی رشد مبارزه طبقه کارگر میهن ما، رشد یابنده و باید با پیگیری و فاطمیت قدم بقدم دنبال بشود و بی شک ثمره خواهد داد.

این اولین نکته در مبارزه میان دو خط منسبی بخاطر وحدت مارکسیست - لنینیست هاست. بدین رسیدن به موضع وحدت و انتقاد از گروهی گزینی، کمونی نمیتوان قدمی مثبت و سازنده در جهت وحدت اصولی مارکسیست لنینیستها برداشت.

دومین کار در جهت وحدت مارکسیست - لنینیستها مبارزه برای تهیه یک "پلاتفرم وحدت" است.

وجود بازه ای اختلافات اصولی در میان تشکل های موجود مارکسیستی - لنینیستی ایجاد میکند که بکار منظم بخاطر حل این مسائل مورد اختلاف، پرداخت. نمونه هائسی از مسائل مورد اختلاف که پاره ای از آنها در رابطه با جنبش مارکسیستی - لنینیستی در خارج و پاره ای در رابطه با داخل است را در زیر می آوریم تا اهمیت مبارزه برای یک پلاتفرمی که برای وحدت مارکسیست - لنینیستها باشد محدود و تشعرو اختلافات از معین میسازد، معلوم گردد.

۱- در مورد ارزیابی از مرحله انقلاب ایران و اینکه اصول ایران فعلی جامعه ایست نیمه مستعمره - نیمه فئودال یا جامعه ایست "سرمایه داری وابسته" و در نتیجه ماهیت طبقاتی رژیم حاکم اختلاف موجود است.

۲- بر سر چگونگی تدارک برای مبارزه مسلحانه توده ای اختلاف موجود است.

۳- در مورد اهمیت در انتقاد و طرد رفومیسم و اپورتونیسم تاریخی حزب توده ایران اختلاف موجود است و در این رابطه مساله ایجاد یا خبای حزب کمونیست.

۴- در مورد چگونگی کار در جنبش توده ای و سازمان ها، توده ای و قانونمندی و تلفیق کار مخفی و علنی اختلاف موجود است.

اینها تنها چند نکته اساسی مورد بحث و اختلاف در جنبش نوین کمونیستی هستند. بر سر هر کدام از آنها مبارزه آید تئولوژیک صورت گرفته و هم اکنون این مبارزه ادامه دارد. بنابراین این مساله در مقابل مارکسیست - لنینیست ها مطرح میگردد که چگونه باید به مسائل جواب قانع کنند و مطابق با واقعیت و ادواکریه رابطه تشکل متحد ساخت. چگونه باید بقول لنین روشنی بوجود آورد

درست را از نادرست، مارکسیسم را از رفومیسم جدا نمود؟ چگونه می توان حدود و تشعرو این مبارزه آید تئولوژیک را بانوجه به امکانات عینی جنبش نوین کمونیستی معین نمود، مسائل عمده را از مسائل غیر عمده متمایز ساخت و کوشید قدم بقدم بانوجه به امکانات رشد یابنده جنبش و تعدد واقعی مبارزه آنها را حل نمود؟

در این جاست که نقش یک "پلاتفرم وحدت" روشن میگردد. پلاتفرمی که چارچوب مسائل مورد اختلاف و چگونگی حل قدم بقدم آنها را معین میسازد و یک کار جمعی و خلقی گشته تشکل های مارکسیستی - لنینیستی را طلب میکند. ممکن است این سوال پیش آید: در عین عمده ای که روی این مسائل اساسی اختلاف دارند چگونه میتوان صحبت از کار جمعی در یک چارچوب معین نمود؟ ما در بالا بانمایز نهادن میان درون تضاد ماهیتا متفاوت برخورد خود را به مساله روشن نمودیم. علاوه بر این بطور مشخص اختلافات یک جانب تضاد را تشکل میدهند. جانب دیگر هم که هم عقیده بودن و هم جهت بودن است موجود میباشد. برای اینکه مساله را روشنتر کرده باشیم بنظر ماهر تشکیک که در خارج دارای مواضع زیسر باشد و برای پیاده کردن آنها بانوجه به امکانات و توانائی خود کوشش می کند، چارچوبی است که سازمان ما با آن تشکل حاضر به همکاری معین که طی مشورت متقابل حدود و تشعرو آن روشن میشود، می باشد. این مواضع عبارتند از:

۱- مارکسیسم - لنینیسم را بعنوان اساس تشکل خود قرار داده باشد.

۲- علیه مرجعین حاکم بسرگردگی شاه، امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم مبارزه کند.

۳- با رفومیسم حزب توده ایران مرز بندی کرد و با سند ۴- ضرورت راه مهربانیز انقلاب ایران را بپذیرد.

۵- در تشکیلات خود از اصل مرکزیت د مکرانیک پیروی نماید.

۶- ایجاد حزب کمونیست را بعنوان وظیفه مرکزی مارکسیست - لنینیست ها قبول کرده باشد.

روشن است که به این معیارها در سنجش تشکیک باید برخورد دیا تشکیک داشت و مناسبات آنها را با هم در نظر گرفت.

از آنجا که سازمان ما علاوه بر مواضع بالا دارای مواضع و نقطه نظر های دیگری هم هست، در جریان مبارزه آید تئولوژیک بدون هیچگونه سازش غیر اصولی از آنها دفاع خواهد کرد. علاوه بر این ماضیقا اعتقاد داریم که حزب کمونیست ایران باید بر اساس پیشرفته ترین معیارها و مواضع مارکسیستی - لنینیستی بوجود آید و بی شک تمام مارکسیست - لنینیست ها روی این موضوع پافشاری خواهند کرد.

این پلاتفرم وحدت باید چه مسائلی را پاسخ گوید؟ این پلاتفرم بنظر ما باید دربرگیرنده موضوعات زیر باشد:

۱- ماهیت حزبی را که جنبش نوین کمونیستی در پی ایجاد آنست را روشن نماید.

۲- آید تئولوژی و یافکارها اینگونه آرا معلوم سازد.

۳- بانوجه به اوضاع جهان و ایران و مرحله تاریخی کمونی، بویژه با تکیه روی تحلیل از وضعیت طبقات در زندگی واقعی، در ایران برنامه حد اقل وحدت اکثر جنبش حزبی را مشخص نماید.

۴- خط منسبی عمده حزب را برای رهبری کردن تمام خلق های ایران و پیروزی رساندن انقلاب معین سازد.

۵- و بالاخره و مهمتر از همه سیاست های مشخص برای عمل و شرکت فعال در مبارزه طبقاتی کمونی ترغیب دارد، سیاست هائی که زمینه ی عینی را از یکسو برای رشد جنبش نوین کمونیستی هموار میسازد و از سوی دیگر وحدت کمونیستهارا تأمین می کند.

حال این سوال پیشتر آید که این پلاتفرم وحدت را کی باید معین سازد؟ در این مورد نباید از این حرکت کرد که می میتوانست این پلاتفرم را معین کند و توانستن بدان معنی باشد که قدم بردست گیرد و با استفاده از دانش عمومی مارکسیستی - لنینیستی خود پلاتفرمی را بریزد. مبادا حرکت ما در پاسخ به این سوال باید این باشد که این پلاتفرم برای چیست و به چه باید خدمت کند؟ بنظر ما این پلاتفرم باید اساسا سه هدف را داشته باشد: ۱- جهت کمونیست باید در آنجا بوجود آید خدمت نماید. یعنی باید از تریک زنده ی مبارزه طبقاتی برخاسته باشد و متقابلا چنان سیاستهایی را ارائه دهد که در عمل در جهت گسترش و رشد جنبش نوین کمونیستی بوده و وحدت تشکل های مارکسیستی - لنینیستی را تأمین کند و با شرایط را برای وحدت آنها مساعد نماید.

تشکل های مارکسیستی - لنینیستی خارج کشور بقیه در صفحه چهارم

# به پیش در سمت پیوند با کارگران و دهقانان

پیام وحدت

بسیار خود می توانند و باید در این امر شرکت نمایند ولی کار آنها هنگامی موثر واقع میگردد که آگاهانه به امر ما بمانند و در داخل کشور بپردازند. تشکیلات خود را در داخل تقویت ننهند و از طریق متحد اباتشکل نگا مارکسیست - لنینیستی در یک در داخل چنین پلان فنی را که بر اساس تلفیق مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه در با واقعیت عینی مبارزه طبقاتی در داخل و مبارزه تشکیلاتی مارکسیست - لنینیستی ارائه دهند. در این مورد در و انحراف بوجود است: انحراف اول بر سبب امدن به خارج است. این در حقیقت خارج را مرکز و داخل را تابع آن نمودن می باشد. این انحراف از آنجا ناشی میشود که به اهدیت حزب سازی در پارتیک انقلاب ایران اهمیت تلفیق مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه در با به شرایط مشخص ایران و مبارزه توده ای در داخل کشور کم بسیار میدهد و درک روشنی از این مسأله که کارهای کونیستی را تنها در جریان مبارزات توده ای می توان ساخت ندارد. پایه اجتماعی و تاریخی این انحراف راروشنفران و "کونیست های" مهاجر تشکیلی میدهد آنها بعلت دانش گامی خود و همچنین بعلت عدم انتقاد عمیق از پارتیک ریزینویستی رهبری حزب توده ایران در چار چنین اشتباهی میگردند.

رفیق مائوتسه درون میگوید: "یگانه راه آشنائی بسا اوضاع مطالعه جامعه است. یعنی تحقیق در وضع هر طبقه اجتماعی در صحنه واقعی زندگی. اسلوب عمده شناخت اوضاع برای کسانی که مسئولیت رهبری کاری را بر عهده دارند، اینست که چند شهروند را طبق برنامه معین انتخاب کنند و مطابق احکام اساسی مارکسیسم یعنی با یکبار بردن اسلوب تحلیل طبقاتی، بیک رشته تحقیقات منظم وضعه جانیه دست زنند."

( پیشگفتار و دستگفتار بر "تحقیقات روستائی" )

در جای دیگر در نوشته خود بنام "علیه کتاب پرستی" در رابطه با چگونگی بدست آمدن تاکتیک حزب کونیست می گوید: "این تاکتیک در جریان مبارزه توده ها یعنی تجربه عملی بیرون می آید." ( تکیه از ما است )

انحراف دیگری در این مورد موجود است که به نقش تشکیلی های مارکسیستی - لنینیستی خارج کشور در امر تهیه "پلان تفرد وحدت" و اصولا ایجاد حزب کونیست کم بسیار میدهد و با بعضی ها آنرا کاملا نفی مینمایند.

این نظریه هم نادرست است، چون جنبش کونیستی در خارج کشور بسیار خود توانسته و هنوز هم میتواند به امر ایجاد حزب کمک نماید. نمونه های برجسته این کمک ها کار سیاسی در میان روشنفکران خارج، تربیت پیشگامترین آنها برای خدمت به داخل، اشاعه مارکسیسم - لنینیسم در سطحی نسبتا وسیع و ایجابی نقش پشت جبهه - مطمئنا با تجربه اندوژی از پارتیک چندین ساله در این جنبش و واروشن ساختن مبارزه میان دو خط مشی در آن بهر سر ارگند شته می تواند به امر ایجاد حزب کونیست ایران خدمت نماید.

ما بیسیم خود در گذشته مبارزه قاطعی را علیه گرایش انحرافی ایجاد حزب در خارج به جلو برده و بیارشد مبارزات داخل کشور مصرا نتر از گذشته روی این اصل اساسی در مبارزه بخاطر وحدت مارکسیست - لنینیست ها با فاشیاری می کشیم.

امروزه در مارکسیست - لنینیست ها در کشور ما که دارای سابقه طولانی جنبش کونیستی است و هم اکنون در داخل تشکیلی های مارکسیستی - لنینیستی موجودند، امر خطیری است که باید با شرکت فعال تشکیلی های داخل کشور که نقش تعیین کننده را بعهده دارند صورت گیرد.

ازنگاتی که ما در طرح "پلان تفرد وحدت" آورده ایم نکته آخری آن که سیاست های مشخص برای پیشبرد مبارزه در رابطه با جنبش های عملی کونیست راه های مشخص را برای رسیدن به وحدت هسته ها گروه ها و سازمان های مارکسیستی - لنینیستی مطرح میسازد دارای نقش حساس و مهمی است. زیرا آنها در رابطه با پارتیک است که معلوم میشود واقعا وحدتی موجود است یا نه یا اگر موجود نیست چگونه باید بوجود آید، و در این صورت چه باید کرد یا اگر موجود نیست چگونه باید استحکام یابد. و بدون تردید چنین سیاست ها و روشها در این مشخصی باید بر اساس شناخت دقیق از اوضاع مشخص جنبش و مبارزات توده ای در داخل باشد.

علاوه بر این از دید لینی وحدت به مفهوم وحدت تشکیلی است و وحدت واقعی هم در اوضاع کونی که مبارزات توده ای در میهن مادر حال رشد و گسترش است

در جریان این مبارزات بوجود می آید و رشد میکند. لنین میگوید:

کارگران حتما به وحدت احتیاج دارند. و مسأله مهم که باید بخاطر داشت اینست که هیچکس جز خودشان به آنها وحدت نخواهد داد، کسه هیچکس نمی تواند به آنها کمک کند تا به وحدت برسند. وحدت را نمی شود "قول" داد این چیزی جز گزاف گوئی های بوج و خود گول زنی نیست. وحدت را نه میشد از طریق "توافق ها" بین گروه های روشنفکران ایجاد کرد. دانش چنین افکاری عیفا ناسفا و بیجه کانه بود و اشتباه آمیز ناشی از نادانی است.

وحدت را باید کمب نمود و فقط کارگران یعنی کارگرانی که دارای آگاهی طبقاتی هستند خودشان میتوانند از طریق کوشش سخت و پیگیر آنرا بدست آورند.

"از مقاله وحدت - سی امه ۱۹۱۴ - کلیات جلد ۲۰" با توجه به کیفیت که لنین از وحدت مارکسیستی طلب می کند و با توجه به آموزش بالا که چگونگی دست یافتن به این وحدت را معین میسازد و همچنین با توجه به این مبارزات توده ای در کشور ما و رشد و توسعه آنست بخوبی معلوم میگردد که سمت گیری بحر جنبش نویسن کونیستی در خارج در مبارزه بخاطر وحدت - چه باید باشد و چرا ما در مقاله "پیش بسوی پیوند با جنبش های توده ای" روی نقش پیوند با مبارزات توده ای در رشد بعدی جنبش نویسن کونیستی تاکید نمودیم و از جمله نوشتیم:

"از طریق "پیوند" است که میتوان شرایط عینی را برای وحدت مارکسیست - لنینیست ها و ایجاد حزب کونیست بوجود آورد"

جنبش واقعی توده ها شرایط را برای زدودن هرگونه انحراف گروهی گزائی از چهره تشکیلی بوجود می آورد آنها را مجبور میسازد که در موضع وحدت قرار گیرند. در این رابطه سوالی اساسی مطرح است: این پیوند توده ای حدش چیست یعنی تا چه درجه ای از پیوند باید رفت تا بشود صحبت از داشتن پایه ای توده ای کرد.

علت طرح سوال بدین ترتیب برای برخی بدان سبب است که مفهوم توده ها را همیشه ثابت میگویند. در حالیکه همانطور که در مقاله ستاره سرخ ۲۸ - ۲۹ یاد آور شدیم مفهوم "توده ها" بنا بر اوضاع قابل تغییر است این یک نقطه نظر مارکسیستی است و لنین بخوبی این مسأله را در سخن رانی خود در دفاع از تاکتیک های بین المللی کونیست، که در سومین کنگره کمیتن اول ژوئیه ۱۹۲۱ ایراد می کرد روشن می نماید. لنین ضمن صحبت می گوید:

( مفهوم ) "توده ها" بر حسب تغییر در ماهیت مبارزه، تغییر می کند. در آغاز مبارزه تنها با شرکت چند هزار کارگر انقلابی، ما می توانستیم صحبت از توده ها کنیم اگر حزبی بتواند بجز اعضایش، توده غیر حزبی را هم به مبارزه برانگیزد، میشود گفت این حزب دارای پایه توده ایست. در جریان انقلاب ما، بودند لحظاتی که چند هزار کارگر توده ها را تشکیل میدادند. در تاریخ جنبش ما و در مبارزه علیه منوشک ها، شامبا نمونه های زیادی بر میخورید که شرکت چند هزار نفر از کارگران در شهر کافی بود تا به جنبش خصلت توده ای دهند. هنگامیکه چند هزار کارگر غیر حزبی که قبلا غیر سیاسی بوده، زندگی فلاکت باری را بر سر می برده و هرگز در باره سیاست چیزی نشنیده اند، شروع می کنند به عمل کردن به شیوه ای انقلابی، آتوقش شما می توانید از توده ها صحبت کنید. چنانچه جنبش گسترش و شدت یابد، تدریجا به انقلاب واقعی تکامل می یابد و شما هم باید همچنین این پروسه را بنگرانید. زمانی که انقلاب بطور کافی تسهیل شده دیده شده است، مفهوم "توده ها" فرق میشود. چند هزار کارگر را بگرمیتوان توده ها نامید. این کسه چیز دیگری بر ما میسازد. مفهوم "توده ها" تغییری یابد و معنی اکثریت را میدهد و نه تنها بمعنی اکثریت کارگران بلکه بمعنی اکثریت تمام استثمار شوندگان تلقی میگردد."

( کلیات جلد ۳۲ )

بنابراین شعار پیش بسوی پیوند با جنبش های توده ای اساسا سمت گیری جنبش نویسن کونیستی را معین میسازد و اینکه تا چه حد باید این جنبش در میان افراد غیر سازمان خود دارای نفوذ باشد که بتوان گفت دارای پایه توده ای است. کاملا احتیاج به تحلیل مشخص از وضع جنبش توده ای در هر محل و در سطح کشوری دارد. مسلما در اوضاع کونی که مبارزات توده ای در حال رشد است و در اوضاع اغتصابات گوناگون در سطح مختلف دیده میشود، تشکیلی

هائیکند میگویند ارتباطی با این مبارزات و با نفوذ در آنها ندارند. دارای پایه توده ای نیستند و باید برای یافتن پایه توده ای مبارزه نمایند علاوه بر این نکات باید به نکات زیر توجه داشت:

۱- شعار پیش بسوی پیوند با جنبش های توده ای یک شعار رزمنه ایست که در سطح علیه روانه جراف سیاسی راست و "چپ" در سطح حقیقی کار کردن و هیچگونه فعالیتی در رابطه با مبارزات توده ای نکردن از یکسو و بصورت گروه های جدا از توده ها به مبارزه مسلحانه دست زدن از سوی دیگر مبارزه می کند. این شعار در حقیقت سمت و وظایف جنبش نویسن کونیستی را که مبارزه برای بسط و توسعه ی جنبش های توده ای و تبدیل درخواست های دموکراتیک و اقتصادی آنها به درخواست های مستقیما سیاسی با مرز بندی های دقیق طبقاتی است، معین میسازد و ضرورت شرکت فعال تشکیلی های کونیستی را در مبارزات توده ای برای ارتقاء سطح سیاسی این مبارزات نشان میدهد. بدون تشکیلی کونیستی رهبری کننده، مبارزات توده ای کونی حتما قاصر نیستند، به سطحی بالاتر رشد نمایند و تبدیل به یک جنبش انقلابی توده ای گردند. در حقیقت رشد بعدی این مبارزات هم اکنون بستگی به این دارد که عناصر آگاه و تشکیلی های کونیستی، چگونه نقش خود را ایفا می نمایند.

۲- شعار پیش بسوی پیوند با جنبش های توده ای شعار بیست رزمنه و عملاتی گروهی گزائی میباشد زیرا محفلها و فرقه های روشنفکری را مجبور میکند از پوسته محیط خود خارج شوند با جهان کبیر توده ای کسه وسیعتر، غنی تر و پرجزیه تراست روبرو گردند و در پارتیک توده ای نوسازی نمایند.

۳- بالاخره و مهمترین شعار پیش بسوی پیوند با جنبش های توده ای این نکته را یاد آوری میکند که مبارزات توده ای زمینه ای عملی مشترکی است که بطور عینی و ذهنی تشکیلی های مارکسیستی را در یک جریان قرار میدهد و آنها را بهم نزدیک میسازد و وحدت بوجود می آورد. و در حقیقت در اینجا است که مبارزه اید ثلوثی که میتواند نقش واقعی خود را داشته باشد و بر اساس مسائلی صورت گیرد که بروا قیعات نباشد و آنست که در پارتیک در مدتی کوتاه صحت و سقم این سیاست یا آن سیاست، این نظریه یا آن نظریه معلوم شده و اکثریت را روی سیاست یا نظریه درست میتواند وحدت دهد.

۴- جنبش دموکراتیک خارج و مبارزه بخاطر پیاده کردن مشی صحیح و سبک کار صحیح مارکسیستی - لنینیستی در آن، زمینه عینی برای وحدت اصولی تشکیلی های مارکسیستی - لنینیستی را بوجود می آورد و معنای اولین گام در این راه باید جنبش چپ خارج را در خدمت جنبش نویسن کونیستی داخل متحد نمود.

همانطور که در بالا یاد آور شدیم برای وحدت باید شرایط بوجود آورد و بر اساس مبارزات مشخص مبارزه اید ثلوثی که در باخار آن به پیش برد، در خارج زمینه عینی وحدت مبارزه میان دو خط مشی را مبارزات توده ای تشکیلی میدهد. مبارزاتی که در خدمت خود جنبش را تشکیل داده و حتی در دوران عدم وجود مبارزات وسیع تسهیل در داخل دارای پایه ای توده ای بوده و هم اکنون پایه ای رشد و گسترش مبارزات توده ای در داخل، در حال رشد و گسترش است. مسئله مرکزی مبارزه بین دو خط مشی در جنبش توده ای خارج کشور اساسا بر سر اینست که آیا این جنبش باید در خدمت جنبش کارگران و حقان در داخل قرار گیرد یا نه و چگونه.

بخرنجی مبارزه میان دو خط مشی هم در این جنبش از همین جا ناشی میشود. یعنی باید چنان سیاست و سبک کاری بر آن حاکم ساخت که بطور همه جانبه آنرا در خدمت مبرمترین نیازمندیهای جنبش نویسن کونیستی و دموکراتیک داخل قرار دهد.

طبق درک ما خط مشی عمومی جنبش نویسن کونیستی در جنبش دموکراتیک خارج باید بسط و توسعه ی آن در مبارزه علیه رژیم شاه، امپریالیسم و سوسیالیسم امپریالیسم تبلیغ و ترویج و سازماندهی کونیستی در میان آن با هدف گسیل نیرو به داخل کشور باشد. این بدان معنی است که مارکسیست - لنینیستها باید از یکسو با هرگونه گرایش سکا رسیستی وضد توده ای که از بسط و توسعه جنبش دموکراتیک جلوگیری می کند و ماهیت این جنبش را که اساسا دموکراتیک است و تنها در چار چوب شعارهای دموکراتیک

می تواند پیروزی و گسترش یابد درست نمی شناسد مبارزه نمایند، پیشروان و گردانندگان مترقی و آگاه این جنبش را با وسیع ترین توده ها ممکن متحد نمایند و از سوی دیگر بخاطر سبب همزبونی و تحکیم مشی راستین مارکسیستی لنینیستی در جنبش دموکراتیک خارج به تبلیغ و ترویج و تربیت و به کار سازماندهی کونیستی برود از سد صفوف جنبش دموکراتیک را با استخوان بندی کونیستی حفظ و تحکیم نموده و بسط و گسترش دهند.

بخاطر پیش برد این مشی که در خدمت جنبش نویسن کونیستی و جنبش دموکراتیک داخل کشور قرار دارد باید از سبک درست مارکسیستی - لنینیستی پیروی کرد. سبک صحیح کار در جنبش دموکراتیک خارج کشور عبارت است از تمایز نهادن دقیق میان سازمان کونیستی و سازمان دموکراتیک، میان سازمان مخفی و سازمان علنی میان شیوه ی کار پارلماناریستی و شیوه ی کار توده ای. فعالیت جنبش دموکراتیک خارج در محیطی کسه در کار سیاسی پیروزی موجود است و احزاب سوسیالیست و کارگری و ریزینویستی ریشه دارند، و همچنین پیوند اپورتونیسم "چپ" در جنبش های دانشجویی کشورهای فقیر که علاوه به علنی گری میپردازند و به شیوه های پرسروصد آگار می کنند، شرایط مساعدی را برای رشد سبک نادرست در جنبش فراهم آورده اند. علاوه بر این از همان آغاز حزب توده ایران و جبهه ملی در این جنبش سبک کار پارلماناریستی حاکم بود و با داخل ایسن جنبش نیز انتقال دادند بدین ترتیب علاوه بر سیاست باید بخاطر سبک صحیح هم در جنبش دموکراتیک خارج هنوز مبارزه ای پیگیر و اصولی نمود. سبکی که سر مداران انحلال طلبی می کوشند در جنبش دموکراتیک خارج اشاعه دهند علنی گری محض، قاطعی کردن مرزهای یک سازمان دموکراتیک توده ای علنی با یک سازمان حزبی مخفی بوده و اساسا با امر خدمت به ایران در تضاد میباشد.

بدین ترتیب معلوم میشود که مبارزه شونی در جنبش دموکراتیک خارج کشور اساسا بر سر چیست؟ بر سر اینست که جنبش دموکراتیک خارج باید تحت همزبونی جنبش نویسن کونیستی باشد یا خرد و پیروزی؟ باید در خدمت جنبش داخل و بیرون ترین درخواست های آن ها باشد یا بطور "مستقل" برای خودش کار کند؟

بنابراین انحراف عمده که در اوضاع کونی در برابر مشی راستین و سبک کار صحیح در جنبش دموکراتیک قرار داشته و در آن تخریب می شد جریان انحلال طلبی و نظرات انحلال طلبانه ایست که باید علیه آن بطور متمرکز مبارزه کرد.

جمع بندی: از پارتیک انحلال طلبی اینست که در مبارزه میان دو خط مشی بخاطر کمب همزبونی در جنبش دموکراتیک، همیشه بسود جریان خرد و پیروزی انقلابی و ضرر جریان مارکسیستی - لنینیستی عمل کرده است. چگونه انحلال طلبی اینکار را انجام داده و انجام میدهد: در درجه اول با انشعاب خود از سازمان انقلابی ضربه ای به صف مارکسیست - لنینیستها و با انشعابی که در جنبش توده ای در جبهه چپ بوجود آورد عملا نفوذ نیروهای چپ را بر خرد و پیروزی انقلابی بر هم زد و مسأله موضع گیری در رنگه زمینه هابود جبهه ی دیگر همزبونی نیروهای چپ را در جنبش تضعیف نمود.

با تبلیغ علیه سازماندهی کونیستی در خارج کشور در حقیقت روحیه ی غیر حزبی را اشاعه داد. این روحیه غیر حزبی به کی میتواند خدمت کند؟ به سازمانهای مارکسیستی - لنینیستی یا به سازمانهای جبهه واحدی وی چه؟ طبیعانه به اولی بلکه به دومی، زیرا با توجه به مرحله کونی انقلاب کشور ما که انقلابی است ما هیستار پیروان دموکراتیک نه سوسیالیستی، هر جنبش دموکراتیکی اگر تحت همزبونی کونیستها نباشد، عملا به جریان پیروزی خدمت می نماید و آنرا تقویت میکند.

از آنجا که جنبش دموکراتیک خارج هم جزئی از کل جنبش دموکراتیک خلق های ماست در نتیجه زمینه عینی برای رشد نظرات "پیروان دموکراتیک" در داخل کونیستها یا بطور فعال وی گیر در آن جنبش به کار سیاسی نبرازند، به پیوجوه قاصر نخواهند شد آنرا درست صحیح یعنی در خدمت پرولتاریا بکنانند. در نباله روی از جنبش دموکراتیک خارج در حقیقت بمعنی رفتن زیر پرچم خرد و پیروزی و خدمت به آن است. تبلیغ غیر حزبی کونیستی و علیه ایجاد تشکیلی های کونیستی در این جنبش کار کردن نه تنها بمعنی نباله روی از خرد و پیروزی انقلابی است بلکه ضدیت با پرولتاریا و جنبش نویسن کونیستی می باشد. بقیه در صفحه پنجم

# پیش بسوی پیوند با جنبش های توده ای

### اسرار جنبش را حفظ کنیم

انقلاب از دید ارتجاع امریست غیرقابل تردید. سازش طلبی و رجوع به مصلحت در جریان است. بیولتاریا و توده های خلق در یکسو ایستادند و بوزواری کبردار و مالکین ارضی و مرتجعین در یکسو گردیدند. شاه خائن در سوی دیگر و این دو جبهه در یک نبرد مرگ و زندگی و رود روی با یکدیگر درگیرند. سازمان ما بعنوان بخشی از جنبش خلق و بعنوان یک سازمان مارکسیستی - لنینیستی با حرکت "اوضاع" سیاستها و منشی های خود را تدوین می نماید. در برخورد به هر یک از این دو طرف میان دست و دشمن را تعیین میکند و این سوال را از خود مینماید که فلان سیاست به کدام طبقه متعلق است؟

در مورد انتشار اطلاعات در باره مسائلی که جنبش امنیت دارد حتی در مواردی که افرادی از صفوف خسلق به خیانت دست میزنند و اسرار جنبش را در اختیار سازمان امنیت میگذارند از سیاست زیرین پیروی میکنیم:

حفظ تمام و کمال اطلاعاتی که جنبش امنیت دارد و منتشر نه ساختن کوچکترین اطلاعی در باره فعالیتهای مخفی سازمانها و گروههای خلق.

این همان سیاستی است که در برایتیک چند سال گذشته توسط مبارزین قهرمان در برخورد با دشمن بیک اصل زمین انقلابی تبدیل گردیده است و با ایجاد اول از آن پیشگامی میکنیم. در اجرای این اصل بسیاری از مبارزین گروههای مختلف برای حفظ یک سر کوچک جان خود را فدا کرده اند.

این از پیش انقلاب تا آخر بیولتاریا نماند مینویسد هیچ گاه و تحت هیچ شرایطی حاضر نیستیم بدشمن طبقاتی را بر سر آگراییم اصل زمین انقلابی در مورد مبارزین زیر شکنجه قابل اجراست و هر مبارزی باید از آن پیروی کند. بنده این در مورد افراد و سازمانهایی که از آن بد صدق میکنند. پیروی نسیم در این زمینه به سه شکل خود را بروز میدهند:

اول بیرون دادن اطلاعات مخفی جنبش، به ویژه جنبش داخل بخاطر کسب "پرستیژ و مقام" کردن.

دوم بیرون دادن اطلاعات مخفی جنبش برای پیشبرد مبارزه "سیاسی" خود با تشنگ دیگر.

سوم تمهید زدن و شایعه پراکشی در مورد مسائلی که بحث در باره آنها جنبه امنیتی دارد و جواب گفتن بشایع بافت دادن اطلاعات با سازمان امنیت میشود.

هر سه نوع تظاهر بیولتاریستی بالا در خارج کشور توسط بعضی سازمانها و افراد بکار برده شده است و سازمان ما قاطعانه علیه آنها مبارزه برخاسته است. ما در مورد نوع اول و دوم در اینجا صحبتی نداریم. حتما تشنگ ها و سازمانهایی که بعضی هاد نشریات خود اطلاعات آنها را منعکس ساخته اند به این مساله برخورد خواهند کرد. تنها در مورد

نکته دوم یاد آور میشویم که سر مداران انحلال طلبی یک نمونه منفی برجسته است. در این مورد هستند که مبارزه سیاسی خود با سازمان ما پس از انشعاب، بشیرمانه هر چه اطلاعات مخفی از سازمان را منتشرند را بر سر هر کوجه و پام جارزند.

اما در مورد برخورد بیولتاریستی نوع سوم که اساس آنرا تمهید زدن و شایعه پراکشی تشکیل میدهد:

برای نمونه، بعضی از نشریات خارج کشور علیه سازمان ما بکرات شایعه پراکشی کرده و افرادی بشیرمانه تمهید زدن که سازمان انقلابی بدست سازمان امنیت بوجود آمده است.

در مقابل این تمهید غیر مسئول ماسکوت کردیم. بد این تحریر یکتا نیتقاد می و نه بیرون دهی سازمان خود را بنابه خواسته های غیر مسئول باز کردیم و نه از شیوهی مقابل به مثل استفاده نمودیم. ما در واقعیم که جواب مشخص دادن به این تمهید هر چه در هم ایما و اشاره صحبت کنیم با عزم اطلاعاتی را در اختیار "سازمان امنیت" گذاشته ایم.

بعضی ها هم به همین شیوه در برخورد به "سازمان آزاد بیخست خلقهای ایران" و فرار رفیق سیروس نهادندی عمل نمودند. آنها نه تنها وجود "سازمان آزاد بیخست خلقهای ایران" را نپذیرفتند بلکه فرار سیروس نهادندی را از زندان زیر علامت سؤال قرار داده و حتی زندان را تاجایی بردند که گفتند خود "سازمان امنیت" این کار را کرده است تا کسان دیگر را بدام بیاندازد. آنها از سازمان ما خواستند تا "اطلاعات" را باین مورد در اختیار جنبش بگذاریم. بزعم آنها اطلاعاتی که

بقیه خبرها و تشکیروها بیشتر خلق میگرد و در حوضه مقاومت و مبارزه آنها را در برابر این همه پلیدیها و تجاوزات بالا میبرد. ما مطمئنیم خلقهای عرب و ایران با یافتناری روی وحدت و با پیروی از سیاست اتکاد نیروی خود قادرند تمام امپریالیستها و مرتجعین محلی را در رم شکنند و منتقدی بدین امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم دست نشانده کسان محلی آنها بوجوه آورند.

## ستاره سرخ و خوانندگان

مقاله "پیش بسوی بیوند با جنبش های توده های ستاره سرخ ۲۸-۲۹ در ضمن اینکه مورد استقبال خوانندگان ما قرار گرفته، خود باعث بحثهایی گردیده است که ما در زیر در انتقاد از این مقاله چند نکته را می آوریم و برخورد میکنیم:

۱- منظور از بیوند کمونیست ها با مبارزات و جنبش های توده ای چیست؟ "مینیویسیست" منظور از بیوند اساساً بالاکسیدن سطح مبارزات توده های به سطح جنبش کمونیستی است. (شعارها، برنامه های حد اقل و بالاخره برنامه حد اکثر). این مطلب را روشن نکردند. باید که در این مرحله مبارزات توده ای را تا چه سطحی باید بالاکسید و اشاره به آن تنها در برانتسز نتوانستیم مساله را روشن کند بخصوص که در شرایط فعلی بحث بر سر کشاندن جنبش توده های خارج بسطح "بالا تر" قاطعتر "کردن آن و غیره است و این جمله می تواند زمینه رشد باینگونه افکار بدهد. خوب بود سالد مگر آن نوبن (سطح مرحله ای جنبش کمونیستی) را روشن میکردید و کشاندن مبارزات توده ای بآن سطح را واضحتر بیان می نمودید.

ستاره سرخ - تذکر این خواننده بسیار جاست. ما در این رابطه چند نکته را توضیح میدهم: اولاً از آنجا که گفتن قول بالا از "ستاره سرخ" ناقص است تمام این جمله را می آوریم: "منظور از بیوند اساساً بالاکسیدن سطح مبارزات توده های بسطح جنبش کمونیستی است. هر چه در سطح مبارزات توده های بسطح جنبش کمونیستی (شعارها، سیاستها، برنامه های حد اقل و بالاخره برنامه حد اکثر) نزدیک تر باشد و با عبارت دیگر همزونی کمونیستها با توجه به شعارها و سیاستها، هلی مشخص و مرحله ای همه جانبه تر تأمین شده باشد بهمان اندازه بیوند بین کمونیستها و توده ها عمیق تر خواهد شد"

در اینجا اساساً ما میخواستیم مناسبات بین جنبش کمونیستی و مبارزات و جنبش های توده ای را روشن نماییم و نشان دهیم که مساله "بیوند" بویژه یک مساله سیاسی است تا تکنیکی که در جریان مبارزه توده های بالا تر نقش آگاهی سیاسی توده ها صورت می گیرد و باید بسط و توسعه آن انجام موفقیتهای آن بطوریکه به کار سیاسی در میان توده ها بر داشته و آگاهی سیاسی آنها را ارتقاء داد. تا اینجا بی بیستی محدودیت های مراحل مختلف را که ناشی از خصلت انقلاب و مرحله ای انقلاب می باشد روشن تر یاد آوریمیم

ما با توجه به واقعیت که انقلاب ایران در مرحله انقلاب مبارزات توده ای است یعنی طبقه کارگر تنها نمیتواند بر اساس برنامه حد اقل (انقلاب مبارزات توده ای) وسیع ترین توده های دهقانی، خرد بوزواری شهری و بوزواری را در جبهه های متحد برای برانداختن امپریالیسم، کبرداران و فئودال ها گرد آورد. این مساله ناشی از اینست که مضمون انقلاب کمونی ما بوزواری و مبارزات است اگر طبقه کارگران مساله را ندانند و بکوشند برنامه حد اکثر یعنی انقلاب سوسیالیستی را مطرح نمایند یک شک منفرد خواهد شد و نمیتواند توده های وسیع دهقانان را در این مرحله به انقلاب جلب کند (شعار اساسی برای کشاندن دهقانان به انقلاب - زمین به دهقانان است که اساساً دارای محتوی بوزواریست) و نه میتواند خود بوزواری شهری و بوزواری ملی را بسوی انقلاب بکشاند. در نتیجه منفرد شده و انقلاب با شکست روبرو خواهد گردید در جنبش کارگری در کشورهای جهان سوم از آنجمله در

مرحله ای در چین بیولتاریسم "چپ" توانست لطمه زیادی به اندکبار وارد سازد. بطوریکه تروتسکیسم سرمنشا این انحرافی می باشد که مرز بین مراحل انقلاب را مختل میسازد.

در اوضاع کمونی در کشور ما عناصر و گروه های اینجا و آنجا نظرات انحرافی در این مورد ابراز می دارند ولی هنوز نمیتوان صحبت از یک خط انحرافی کرد. باید بسا انتقاد از تروتسکیسم و انحرافات "چپ" از هم اکنون جسو رشد آنها را گرفت. اما این یک جانب مساله است. جانب دیگر اسم باید در نظر گرفت. طبقه کارگر بخاطر اینکه رهبر انقلاب کمونی است و دارای برنامه حد اکثر هم هست و مضمون می باشد که انقلاب را بسوی پیروزی کامل

ما در نشریات خود انتشار داده بودیم و نوشته رفیق سیروس نهادندی، برای آنها کافی نبود. ما همچنان از اصل سکوت پیروی کردیم. چون بدین امر آگاه بودیم که گنیه نشریات ضد رژیم را سازمان جناحینکار امنیت برای جمع آوری اطلاعات میخوانند، در نتیجه انتشار هرگونه مطلبی که جنبه امنیتی داشته باشد بضرر جبهه خلق بوده و بسود سازمان امنیت تمام میشود. ما آگاه بودیم که پس از قسر اسریرس نهادندی - منظوریم پس از قسر رفیق مبارز اشرف دهقانی، سازمان امنیت در پی کسب اطلاعات است و برای اینکار تمام مبارزین قهرمان را در زندان مجدداً زیر شکنجه گذارده است بنابراین چگونه میتوان اطلاعاتی را در "سازمان امنیت" جانیستار نتوانستیم تمام شکنجه های مبارزین (اگر اطلاعاتی داشتند!) بدست آورد ما در برابر شایعه پراکشی ها در اختیار آن بگذاریم. از این نمونه سازمان ما در دست و پا میماند همین چند نمونه افشای کیم، هنگامیکه ما در برابر شایعه پراکشی ها و تحریکات سکوت میگردیم، سر مداران این سبک بیولتاریستی در میان توده ها تبلیغ میکنند:

"حتما بزگسه نیمه کاسه است که سازمان انقلابی سکوت کرده است!!" "تا بناسد چیزی مردم نگویند چیزها ما باید از آن کیم، آنها برای مدتی کوتاه و بطور موقتی سکوت و در آنجا آنجا توانستند موقیتهای بدست آورند و توده ها را آگاه سازند. معالوف ما روی اصول یافتاری کردیم و در براندختن انقلابی خود را میچگاه از دست ندادیم اگرچه وقتاً برای سازمان با ضررهای هم دربرداشت.

برایتیک صحت و اصلیت این سیاست انقلابی را که ما می کوشیم از آن پیروی کنیم، ثابت می کند. اذعان باخترازموز در شماره ۵ خود به فعال بودن سازمان آزاد بیخست خلقهای ایران و درود فرستادن به آن نمونه خوبی است از اینکه چگونه برایتیک آنها را چه بسا ساخته تا به واقعیات کردن نهند و این خود به تمام شایعها که در باره این سازمان پخش میشود و "باختر امروز" هم آگاهانه سکوت میگرد، مهرباطل میزند.

با فشاری ما در پیروی از سیاست حفظ کامل اسرار و سکوت در برابر شایعتهای که توضیح در باره آنها باعث میشود اطلاع ده جنبه امنیتی دارد بدست رژیم بیفتد، یعنی آن نیست که ما دارای هیچگونه اطلاعی در باره مسائل نسیم، ما همیشه طرفه ارتداد در تجربه میان سازمان ها و گروهها انقلابی بودیم ما همیشه با سازمانهای مشعل کبیا سازمان ما دارای روابط برادرانه بودیم. نباید تجربه کرده ایم و اطلاعاتی را در طی تجربه بدست آورده ایم و با ضروری برای تشنگ نگیریم. است در اختیار آنها گذاشته ایم و متغایلاً آنها هم در این امر ماریاری داده اند. باید بین تباد تجربه و اطلاعاتی جنبش در درون جنبش با انتشار آنها در نشریات خلقی در قیاس کرد.

سازمان ما علیه این سبک کار ضد انقلابی خواه آگاهانه باشد و خواه نا آگاهانه مبارزه کرده و مبارزه خود ادامه میدهد. سازمان ما هیچگاه در برابر تحریکات ها و شایعه پراکشی های گوناگون زانو نخواهد زد و وسیع گاه بر سر اسرار مبارزین داخل بخاطر جلب توجه جنبش خارج بخاطر کسب پرستیژ "در این جنبش معامله نخواهد کرد. این سبک کار اساساً متعلق به بیولتاریا نیست، به ضرر جنبش انقلابی است و از طرف تمام مبارزین واقعی باید انتقاد و طرد شود و اگر فردی آگاهانه به این شیوه ناپسند ادامه میدهد انتشار کرده و از جنبش طرد گردد.

ما از تمام مبارزین و توده های وسیع دانشجویان خارج کشور طلب میکنیم که جنبش آموزش در امر حفظ اطلاعات مربوط به سازمانهای مخفی بویژه سازمانهای داخل کشور را بوجوه آورد و با بالا بردن حس مسئولیت کامل خود نسبت به آنچه مربوط به انقلاب، سازمانهای انقلابی و خلق است اسرار جنبش را آگاهانه حفظ کنند.

اطلاعیه طبق خبری موقت، محمد جاسمی تسلیم طلب، خائن به خلق و خادم رژیم که چندین پیش ورق پاره های درارویا در تبلیغ خط سازمان امنیت، انتشار داد، اخیراً به ایران رفته است. پیش بینی میشود که سازمان امنیت بدنیال صحنه سازی دیگری با شرکت این عامل رژیم، برای حمله به جنبش مبارزات خارج و سازمان ما، میباشد. لازم انحرافات سیاسی و ضعف شخصی، این فرد را کارگذاشت. وظیفه انقلابیون است که در برابر توطئه و صحنه سازی جنبش سازمان امنیت هشیارانه برخورد کرده و در افشای آن، بکوشند.

مرله ی اول به مرحله دوم بگذشت و دیکتاتوری بیولتاریا را مستقر نموده سوسیالیسم و کمونیسم برقرار سازد. باید اولاً به کار مستقل کمونیستی و ایجاد سازمان سیاسی خود توجه جدی نماید. در طول رشد جریان انقلاب در مبارزات توده ای باید حزب را استحکام و نفوذ و پایه توده های آنرا وسعت بخشد. تا میان طبقات و اقشار انقلابی و مبارزات توده ای در پیوند دقیق نماید. این درست است که هم دهقانان فقیر و میانه حال و هم خرد بوزواری شهری و اتحاد معینی نیز بوزواری ملی در انقلاب شرکت می جویند و بیولتاریا باید با آنها متحد شود، اما بیولتاریا می داند که بعضی از این نیروها متحد مطش و نژد یک او هستند و بعضی عدم تزلزل و غیر قابل اطمینان، در نتیجه پیفته رفیق مائوتسه دون، حزب کمونیست باید بخاطر ایجاد وسیعترین جبهه متحد - داما جبهه نیروهای مترقی - یعنی کارگران، دهقانان و خرد بوزواری شهری را بسط و توسعه دهد. این اساس جبهه متحد را تشکیل میدهد. بدون انجام این دو کار - استحکام حزب کمونیست و استقلال ایده بوزواری سیاسی و تشکیلاتی آن و ایجاد حلقه ی اول وحدت کاسا و وحدت بزرگی می باشد و گسترش دانشی آن، بیولتاریا قادر نیست همزونی را در انقلاب مبارزات توده ای تأمین نماید و مساله همزونی بیولتاریا مساله تسین کننده است یعنی تعیین می کند که انقلاب مبارزات توده ای در کشور ما میتواند پیروز شود یا نه؟

ثالثاً در رابطه با جنبش توده های خارج کشور که اساساً از شر خرد بوزواری تشکیل شده اند باید با تحلیل مشخص از مرحله رشد این جنبش - به د نوع کاربرد اخت ۱- کار کمونیستی ۲- کار مبارزات، کار اول در برگیرنده مبارزات حد اقل وحد اکثر بیولتاریاست که باید توسط سازمان کمونیستی در میان توده ها انجام گیرد و کار دوم در برگیرنده برنامه های حد اقل یعنی انقلاب مبارزات توده ای است که اینکار هم باید توسط سازمان کمونیستی و هم کمونیستی هستند، صورت گیرد. مناسبات بین این دو فعالیتها باید که اساساً ارجحیت با اولی است یعنی کمونیستها باید برای کسب همزونی و پیاده کردن خط خود در جنبش مبارزات مبارزه نمایند. البته همیشه باید به این امر واقف باشند که خود جنبش مبارزات را نفعی نکند یعنی مبارزه می کنند برای کسب همزونی در جنبش مبارزات - آنها نمی توانند جنبش مبارزات را نفعی نمایند و با آنرا به جنبش کمونیستی تبدیل کنند. در حالیکه می توانند با کار سیاسی مستمر و پیگیر همزونی خود را همه جانبه در آن تأمین کنند. البته علاوه بر تمایز ساختن میان دو مرحله انقلاب و در کار کمونیستی و مبارزات باید با تحلیل مشخص از اوضاع، مرحله ای و جنبش توده ای را در نظر گرفت. مرحله ای و بعد از ایجاد حزب، مرحله ای تدارک برای جنگ توده ای و بعد از شروع جنگ توده ای را دقیقاً بحساب آورد.

در رابطه با جنبش خارج کشور باید ویژگی دیگری را هم علاوه بر مسائل بالا در نظر گرفت - اساساً جنبش از روشنفکران بوده و در خارج کشور می باشد که باید سمت کارگران و دهقانان بخود بگیرد و در خدمت جنبش داخل درآید. در اینجا باید یاد آور شد که بعلمت شرایط سرکوب ایران - این دو کار اساساً توسط کمونیستها باید مخفی صورت گیرد - چون هر دو کار از دید رژیم ایران غیر قانونی و غیر مجاز است در نتیجه کمونیستها باید دارای هویت باشند - هویت مخفی و هویت علنی، هویت کمونیستی و هویت مبارزات، تنها با تلفیق لار مخفی و طلنی و داشتن هویت مشخص و مجزاست که قادرند امر بسیج توده ها را در مبارزه علیه رژیم شاه برای مدت طولانی و با پیگیری و استواری به جلو برند.

**ستاره سرخ را بخوانید**  
**و به ایران بفرستید!**

نشانی  
**توده و ستاره سرخ**

آدرس پستی ما: Mmo. Paola di Cori  
C.P. 493 S. Silvestro  
ROMA ITALY

# انقلاب تا پیروزی

نوع و واپس‌گشت برکنار میسود ماهیتاً باید اکران پاریس بین ویتنام و آمریکا تفاوت دارد. نه مصر و نه سوریه هیچکدام از موضع قدرت به پشت میز نهاده نمی‌نشینند آنها به علت ضعف خود که اساساً عدم اتکا به نیروی خود بود ه‌های خلق است مجبورند به دیگری بیشتر قدرت‌ها تن دهند. خواست عمیق و مقدس خلق‌های عرب بویژه خلق قهرمان فلسطین، مبارزه تا به آخر است. ما مطمئنیم هیچ نیروی قادر نخواهد شد تسلیم غلی را برانقلاب فلسطین مسلط سازد. تاریخ مبارزه انقلابی خلق قهرمان فلسطین این امر را ثابت کرده است. سرود مقاومت و شعار "انقلاب تا پیروزی" دارای ریشه‌های عمیق در میان خلق می‌باشد. مطمئنم بیرون‌تاریا و دیوبستی‌های واقعی جهان عرب علیه این تسلیم طلبی پیکرانه می‌ایستند و با یافتاری بروری مواضع خود صفوف خلق را متحد می‌نمایند و "انقلاب را تا پیروزی" همچنان ادامه خواهند داد. نمونه‌ای از این نیروها حزب کمونیست سوریه (مارکسیست-لنینیست) است که با در زیر اعلامیه‌ای از آنرا که مربوط به جنگ اخیر اعراب و اسرائیل است، می‌آوریم.

رزمندگان قهرمان در خط آتش کارگران، دهقانان و روشنفکران انقلابی زنان مبارز عرب توده‌های قهرمان خلق ما

سیاست تسلیم طلبانه و راه حل‌های مسالمت آمیز و همچنین فرار کردن تحت اطاعت ابرقدرت‌ها در سازمان ملل متحد و شورای امنیت، به دور می‌گردد. در برابر خلق و ارتش ما جز کام نهادن در راه انقلاب مسلحانه مخاطر مقابله با تجاوز آمریکایی - صهیونیستی و آزاد ساختن سرزمین‌های ما و خلق قهرمان راه دیگری باقی نمانده است. حزب ما تمام میهن پرستان کثرت‌فرد را صرف نظر از نظرات و عقایدشان فراموشانده که در یک صف بايستند و مخاطر تحقق هدف‌های زیر مبارزه کنند:

- ۱- ایستادگی و مقاومت در برابر اجرای سرکوتنه آتش‌سوزی آنچه که در سال ۱۹۶۷ بوسیله تیان بین‌المللی صورت گرفت و ادامه به جنگ دراز مدت تا آزادی کامل.
  - ۲- مسلح کردن خلق، مردان، زنان، جوانان و پیران، بسیج توده‌ها، سازماندهی مقاومت توده‌ها، و نیروی مسلح دفاع از خود، عجمین کردن ارتش و خلق. جنگ توده‌ای دراز مدت سلاح عمده ما است در مبارزه سرکوتنه و زندگی کمونی ما.
  - ۳- استحکام وحدت ملی و ایجاد جبهه ملی دموکراتیک از طریق عمل مشخص انقلابی و مبارزه مسلحانه.
  - ۴- تغییر اقتصاد کشور به اقتصاد زمان جنگ، آزاد ساختن آن از دست انحصارات و وابستگی به قدرتهای بزرگ، از طریق تکیه به نیروی خود، مبارزه سرکوتنه علیه استثمارگران حریص، دشمنان خلق و جاسوسان دشمن.
  - ۵- توسعه آزادی‌های عمومی و تشویق ابتکارات توده‌های انقلابی و رشد دادن آنها.
  - ۶- قطع بدون تأمل شریانات استعماری صهیونیستی از طریق ضربه زدن به انحصارات نفی و منافع آنان در سرزمین عربی.
- اکنون تضاد عمده عبارت است از تضاد بین خلق مبارز ما در دفاع از تمامیت ارضی و جناحین کارکنان آمریکایی و بقیه در صفحه ششم

# خبرها و تفسیرها

## اخبار کارگری

این اقدام سازمان امنیت سابقه اعتصابات فراوان کارگری در این کارخانه که بیشتر سهام آن متعلق به آمریکا است، می‌باشد. کارگران این کارخانه برای اولین بار همزمان با اعتصاب فرماندهان کارگران جهان چیت منظور خواست افزایش دستمزدها و انتخاب نماینده واقعی از بین خود، دست با اعتصاب زده و در جاده ک تهران برای می‌افتند. اخوان یکی از سهامداران ایرانی این کارخانه مجدداً با سازمان امنیت تماس و گامیونهای پلیس مجهز به مسلسل سرسوزنده و شش‌سوز به تهدید کارگران می‌کنند که اگر کارگران ادامه بدهند حرکت دهند با آنان نیز مانند کارگران جهان چیت رفتار شده و به مسلسل بسته خواهند شد. این اعتصاب بد همین جا خاتمه می‌یابد.

در نتیجه اعتصابات دیگری کارگران این کارخانه بعد از درخواست‌های سابق بر پا می‌کنند. بالاخره موفق شده و دستمزدها افزایش می‌یابد. در تمام نقاط حتی مراکز شهرستان مثل خیابان بوذرجمهری و ناصر خسرو بظاهر کارگاههایی با ۷ یا ۸ نفر کارگر وجود دارند، صاحبان این کارخانه هابه وزارت کار و بیمه چنین آماری زامید دهند ولی در زیرزمینهای این کارگاهها و یادر حوضه پشت آن حتی تا حدود ۱۰۰ نفر کارگر در بدترین شرایط و واحد دستمزده و بدون بیمه کار میکنند.

بقیه در صفحه ششم

در اثر اعتصابی که چند ماه قبل کارگران کارخانه روض نباتی شاه پسند بمنظور ۲۵ درصد افزایش دستمزدها برپا کردند، کارفرمایان مجبور به قبول خواستهای محفانه کارگران می‌شوند. کارفرمایان با وجود قبول خواستهای کارگران دست از توطئه برنداشته و دستمزدها را فقط ۱۰ درصد اضافه دستمزدها می‌پردازند. این باعث ناراضیتهای مجدد کارگران شده و متحداً در روز ۲۷ آذرماه ۵۲ بار دیگر دست با اعتصاب می‌زنند که این بار بیش از یک ساعت بطول نمی‌کشد و کارفرمایان بر اثر همبستگی کارگران فوراً مجبور به دادن به خواستهای آنها گردیدند.

بد نیال اعتصاب موقت آمیز کارگران در کارخانه سالی گفتلی در تابستان ۵۲ مجدداً کارگران این کارخانه با از تاریخ ۳ دیماه ۵۲ بدستیک هدف بمنظور اعتراض به افزایش سرسام آورنده زندگی و گرانی موجود در ایران و خواست اضافه دستمزدها دست با اعتصاب زده اند که از چکدستی آن اطلاع دقیقی در دست نیست بر طبق خبر، رسیده گویا این اعتصاب با موفقیت خاتمه یافته است.

در ستاره سرخ شماره قبل خبری در مورد اعمال فشار سازمان امنیت در کارخانه ی جیب سازی رامسیر و اینکه دستهای شبظلمی زادر آن کارخانه بمنظور جاسوسی و قدرت نمایی گذاشته است آوردیم. بگر اوتل

# خلق را متحد کنیم، دشمن را درهم شکنیم!

رژیم به دفاع بدون قید و شرط برداخته‌ام. رژیم شاه می‌کوشد که با تبلیغات زهر آلود و دروغین خود در باره ی مبارزین درون کشور و سازمانها و گروه‌های انقلابی، از همبستگی ضرورتی ضد امپریالیستی انقلابی کاسته و در میان آنان بدبینی و عدم اعتماد نسبت بیکدیگر بپراورد. ما با راه‌سازان موضع طاع خود در برابر دشمنان طبقاتی خود در انستد و میدانیم که باید یکجبهه اختیارات و تبلیغات رژیم شک کرده و دیگران را از اعتماد به این اخبار برحذر داریم چه معتقدیم که می‌بایست به مبارزین درون کشور اعتماد کرد، نسبت به آنان مواضع بود، می‌بایست به تبلیغ روحیهی رزمندگی آنها پرداخته، استقامت و پایداری آنها را برجسته ساخته‌اند آنکه نکات ضعف را تبلیغ نمود و افکار را مخشوش کرد.

مستفانه تنگ نظرانی چند با استناد بااطلاعات ناقص و اشتباه آمیز یک وکیل، تبلیغات راخبار رژیم و ماتکیه بر ضعف و رتن از افراد "سازمان آزاد بیخس خلقهای ایران بنای مخالفت با این سازمان را گذاشتند. بیخس انواع شایعات کثیف برداختند، فرار انقلابی رفیق سیروس زیناوند، نوشته ی او، اعلامیه‌های این سازمان و بالاخره مجموعه ی سازمان راست عنوان قرار دادند.

وظیفه ی ما در قبال این شایعه سازان و این شایعه‌پراکنی‌هاچه بود؟ آیامی بایست چون "باخترامروز" سکوت اختیار می‌کردیم، سکوتی که در خدمت شایعه‌پراکنی‌ها بود؟ نه مانده دیگر مارکسیست-لنینیست می‌توانستند چنین موضعی اتخاذ کنند. زبوا مارکسیست-لنینیستها خود را در زمان مبارزین داخل مسئول دانسته و حاضر نیستند در مقابل توطئه‌های رژیم و کسانی که با این توطئه‌ها افتاده و بد شایعه پراکنی می‌پردازند، قنبر سکوت بررب زنند. بانکه بهمین موضع صولتی بود که ما مبارزه با آن برداخته و چون "باخترامروز"، "تاشاگر" توسعه ی شایعات نشدیم.

حال "باخترامروز" که آفتاب حقیقت چشمهای خسته از "تاشاگر" را زار داده و عکس آرزوهای ایران را نشان میدهد با تحریف و انحراف که شتمعه بهوار شروع کرده است و مسانطوری که مادر "ستاره سرخ" شماره ۲۶ راجع به این نشریه نوشته‌ام، اصولاً بدان علت دست بمنچین حرمهای زد است که جرأت و جسارت انتقاد از خود را ندارد و از سوی دیگر باروسن شدن حقایق نمیتواند صریحاً و غیره طنی شایعات کثیف گذشته را تائید کند. در نتیجه در مقاله فوق از "نظرهای تیزبین" کمک میگردد، یعنی همان کسانی که در شایعه سازی مهارت دارند تا بدان حد رفتند که با استناد به گزارش ناهراز "داگاه" و اخبار بقیه در صفحه پنجم

نشریه ی "باخترامروز" پس از گذشت چند ماه از تمام "داگاه" تجدید نظر هفت نفر از اعضای "سازمان آزاد بیخس خلقهای ایران" و سخاوته ی بقیه افراد این سازمان، پس از اینکه با ماها سکوت رسمی و مصلحتی در برابر شایعات کثیف در مورد این سازمان، در عمل به ترحمی شایعه پراکنی تمامیدان داد، در شماره ی ۵۰ (پنجم ماه ۱۳۵۲) در برابر آفتاب حقیقت مجبور شد سرخورد آورد و با اعتراف به ادامه ی مبارزه سازمان فوق بدان درود بفرستد.

این درود گوئی ظاهراً می‌بایست بدنیال توضیح انتقادی از سکوت مصلحتی قبلی انجام میگرد ولی مطالعه دقیق مقاله فوق نشان میدهد که "باخترامروز" نسبتاً اشتباهات گذشته را بدین برخوردی انتقادی تجسسه نموده بلکه جمله بد دیگران، تلاش در پوشاندن این اشتباهات برداست.

مستفانه به علت کمبود جا و محدود بودن صفحات "سار سرخ" قادر به چاپ این نوشته نیستیم تا خوانندگان ما از این مقاله نمونه خوبی نیز بیاموزند و جمعیت قدیم که از نمونه منفی نیز بیایست آموخت تا از انحرافات و نادرستی‌ها شناخت کسب کرد.

سرتاسر مقاله فوق حمله به سازمان ما (البته در لاف و بدین نام برن) می‌باشد زیرا که:

- ۱- سازمان ما با برخوردی مسئول و اصولی به "سازمان آزاد بیخس خلقهای ایران" بدون در نظر گرفتن اختلافات سیاسی، به دفاع بیکدیگر از آن سازمان در مقابل بیکدیگر و توطئه‌های سازمان امنیت پرداخته و شایعات گوناگون بسیار به برخاست شایعاتی که باخس آنهاگی بر گونه‌های "باخترامروز" شکسته میشد.
- ۲- سازمان ما به مبارزه مسلحانه جدا از توده‌ها علاقتقاد دارد، زیرا که توده‌ها را سازماندهی می‌کند و معتقد است که مبارزه مسلحانه امر بوده و عدای میلیتاریستی است آنچه که با پیش‌قدم توده‌های "باخترامروز" اختلاف فاحش دارد. قدری این دو مسئله را بشکافیم.

سازمان ما از زمان ابتدائی اطلاع از دستگیری رفقای "سازمان آزاد بیخس خلقهای ایران" به دفاع از این رفقا، درج اخبار مربوط به شکجه و مقاومت قهرمانانه ی آنان و فرار انقلابی رفیق سیروس زیناوندی، چاپ جزوه‌های جاری چند در اسارت" اثر رفیق سیروس زیناوندی، بنادرت و ریزد علیه توطئه‌ها و توضیحات رژیم در مورد این رفقا و همچنین علیه شایعاتی که بطور منظم و سیستماتیک در مورد این مبارزین از جانب عده‌های خستر میشد، فاطمانه مبارزه کرد. ما این برخورد را نه تنها در مورد این سازمان بلکه در قبال گدهی مبارزین درون کشور بدین توجه با اختلاف نمره‌های موجود بکار برده و از راهی سازمانهای انقلابی در برابر بیکدیگر

بر اثر استمرار مجدد سرمایه‌داری در اتحاد جماهیر شوروی و تندیل آن به سوسیال-امپریالیسم توسط درود ستاره روزیونیستهای مرتد شوروی، دیکر موجود نیست در این جریان جهان سوم بیشتر و بیشتر قدرتمند می‌گردد و آگاهی سیاسی اثر بطور روزافزونی بالا می‌رود و وحدت بین کشورهای استوار، استحکام می‌یابد.

امپریالیسم آمریکا از صحنه تاریخ به میل خود خارج نخواهد شد و روزیونیستهای شوروی-سوسیالیست-امپریالیسم - به عبت تلاش درندجای امپریالیسم آمریکا را بعنوان ارباب جهان بگیرند چه آنها قدرتش را برای رسیدن به این آرزوی جاه طلبانه خود ندارند. و با قدرت برای کسب سرکردگی تلاش میکنند، دست به تجاوز، توسعه، خرابکاری و مداخله در همه جا می‌زنند. در برابر چنین ارضای نیروهای تازه برخاسته جهان سوم دارای وظائف رزمندگی مشترکی هستند: مخالفت با امپریالیسم، استعمار، استعمارنوه، سرکردگی گرواچی، اعمال قدرت ابر قدرت، نژادگراچی و صهیون گزایی و مبارزه برای حفظ استقلال ملی، دفاع از حاکمیت و منابع ملی، تکامل اقتصاد و فرهنگ ملی، ایجاد نیروهای مسلح مستقل در دفاع از زمین و در خدمت منافع اکثریت خلق. آنها صفوف خود را در مبارزه بطور مداوم فشرده تر میسازند، و نقش مهمی را بطور روزافزونی در عرصه بین‌المللی ایفای نمایند.

چین سوسیالیستی به جهان سوم متعلق است. او بعنوان کشوری در حال رشد همچون دیگر کشورهای جهان سوم رنج دیده است و هم اکنون با دشمنان و وظائف مبارزاتی روبروست. آنها با هم همدردی دارند و هد بیکدیگر پشتیبانی میدهند و بعد و سر یکدیگر در مبارزه علیه امپریالیسم، استعمار، و سرکردگی گزایی بد پیش میروند. (ترجمه از "سین خوا")

# جهان سوم

جهان سوم نیروی تازه برخاسته‌ایست که پس از جنگ جهانی دوم سرخوش به تکامل تدریجی گردیده است. همگی کشورهای جهان سوم برای مدت طولانی تحت ستم امپریالیسم و استعمار بوده و هنوز هم با مسئله تجاوز، فشار و تهدید قدرت‌های بزرگ استعمار و استعمارنوه روبرو هستند. همه آنها از لحاظ اقتصادی کشورهای در حال رشدند.

منطقه آسیا، آفریقا، آمریکای لاتین، موقعیت مهمی را در جهان اشغال می‌کند. مساحت کل آن ۶۳٪ از کل اراضی کره زمین را با منابع طبیعی بسیاری تشکیل میدهد و جمعیت آن تقریباً ۳/۴ کل جمعیت جهان را در برمیگیرد. مفهوم جهان سوم در یک جریان رشد یابنده ای شکل گرفته است. بهنگامی که پس از جنگ جهانی دوم جنبشهای آزاد بیخس ملی در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین با اعتلای خود به پیش رفتند و تعداد زیادی از کشورهای آنجا خود را از یوغ استعمارگران رهائی بخشیدند و یکی پس از دیگری به استقلال رسیدند. مفهوم جهان سوم یا عرصه وجود گذاشت. در دهه ۵۰ اردو گساره امپریالیسم بنام جهان اول، اردو گاه سوسیالیسم بنام جهان دوم و کشورهای که استقلال ملی بدست آورده بودند جهان سوم نامیده شدند. با تکامل مبارزات اندر بی وحدت و تضادهای اساسی جهان ارضای در عرصه بین‌المللی بوجود آمد که در آن تغییرات بزرگه‌جدا می‌های بزرگ و اتحاد. ای نوین بزرگ صورت میگردد. اردو گاه امپریالیسم در نتیجه و افول امپریالیسم آمریکایی انشعاب کرده و برانند شده است. اردو گاه سوسیالیستی